

بررسی شیوه های برخورد با قاچاق و تخریب اموال تاریخی - فرهنگی در حقوق کیفری ایران

فریبرز پرندین

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد واحد اراک.

نام نویسنده مسئول:

فریبرز پرندین

چکیده

میراث فرهنگی، شامل آثار باقی مانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ می باشد و با شناسایی آن زمینه شناخت هویت و خط حرکت فرهنگی او میسر می گردد، انسان از همان زمانی که در ذهن خود توانست وقایعی را که در گذر زمان اتفاق افتاده به یاد بسپارد و آنها را به عنوان تجربه در زندگی روزمره خود به کار برد همان تجربه ها ارزش خاصی در نزد انسان پیدا کرد. چرا که آنها با مشقت به دست آمده و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و حتی بعضی از این تجربه ها جان مایه یک نسل بوده است. لذا به واسطه ی قراردادن آثار تاریخی و فرهنگی و در معرض خطرات و زیانهای گوناگون مانند عوامل طبیعی از قبیل زلزله سیل آتش سوزی و باران و عوامل غیر طبیعی که به دست انسان صورت می گیرد مانند حفاری غیر مجاز تخریب سرقت میراث فرهنگی و جنگ لزوم وجود قوانین جامع مانع و موثر در جهت حراست از میراث فرهنگی امری مهم است و همچنین لزوم بالا بردن آگاهی جامعه نسبت به ارزش میراث فرهنگی و کوشش در جهت حفظ آن کاملاً ضروری به نظر می رسد.. شناخت واقعی آثار تاریخی و فرهنگی می طلبد تا حمایت و حفاظت ویژه‌ای در این خصوص از سوی مراجع قانون گذاری به منظور جلوگیری از جرایم علیه آثار تاریخی- فرهنگی به عمل آید. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تاریخی تلاش خواهد شد تا راهکارهایی برای کاهش و جلوگیری از قاچاق و تخریب آثار تاریخی ارائه شود تا شاید مورد توجه مسئولین امر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: آثار تاریخی و فرهنگی، پیشگیری، قاچاق، تخریب، مجازات.

مقدمه

آثار تاریخی- فرهنگی^۱ مبین هویت و سند تشخیص و تمایز تمدن‌های گوناگون در جهان هستند که بشر کنونی ملزم است خود را به حراست و پشتیبانی از این گنجینه‌های تجدید نشدنی وا دارد. به علاوه ضرورت حفاظت از این آثار باستانی به واسطه قرار داشتن آنها در معرض عوامل گوناگون از جمله عوامل نامساعد طبیعی و حملات بیگانگان و حتی خسارات ناخواسته گردشگران و ... به وضوح قابل رویت می باشد. به علاوه خسارت مزبور نه به یک فرد و یا گروه بلکه به فرهنگ و تمدن یک کشور و یک ملت است، شاکه‌کاری‌های تاریخی بازگو کننده، پیام معنوی گذشتگان و نشانگر خط سیر و حرکت انسان در طول تاریخ بوده و شاهد زنده و گویایی از سنن باستانی در عصر حاضر هستند و هر روز که می گذرد بشریت بیش از پیش به ارزشهای این آثار پی می برد.

بدیهی است، که عوامل مختلفی آثار تاریخی را تهدید می نماید؛ که از جمله مهمترین این عوامل، عوامل طبیعی نظیر؛ سیل، زلزله، باد، باران و ... و عوامل انسانی نظیر؛ کینه و دشمنی، دسیسه ها و توطئه های دشمنان داخلی و خارجی به منظور به غارت و چپاول بردن این آثار و بی هویت نمودن ملتها و ... می باشد. لذا ضرورت حفظ و نگهداری و حمایت از این آثار ابعاد مختلفی را در بر می گیرد، لیکن بعد حمایت حقوقی و قانونی از این آثار اهمیتی به مراتب بیشتری از سایر ابعاد دارد. و در رهگذر حمایت قانونی^۲، حمایت کیفری^۳ از این آثار اهمیت به سزایی دارد، زیرا هدف عمده قوانین کیفری ارباب فردی و عمومی می باشد. چه آنکه فقط حمایت جزایی از یک اثر غیر تاریخی- فرهنگی، حداکثر موجب ورود خسارت و ضرر به فرد یا افراد معینی می شود که به سادگی قابل جبران بوسیله ضمانت اجراهای حقوقی(مدنی) می باشند لیکن صدمه و خسارتی که به یک اثر تاریخی وارد می گردد غیر قابل جبران و همیشگی خواهد بود. بر اساس ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص تخریب اموال تاریخی- فرهنگی، «هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی- تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است یا تزئینات، ملحقات، تاسیسات، اشیا و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلاً نیز واجد حیثیت فرهنگی- تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد، علاوه بر جبران خسارات وارده، به حبس از یک الی ۱۰ سال محکوم می‌شود.»

امروزه توجه اغلب دولتها و ملتها به آثار فرهنگی و میراث فرهنگی خود بیش از پیش احساس می شود. میراث فرهنگی نشانگر تمدن گذشته یک کشور بوده و عاملی جهت حفظ بهتر فرهنگ و روشی جهت بهتر مطرح گشتن فرهنگ آن کشور در جهان امروز که یکی از مباحث روز و گاهی جدال فرهنگی است می‌باشد. به علاوه میراث فرهنگی با جذب گردشگری خارجی منبع خوبی برای کسب درآمد ارزی است و بحث اقتصادی این منبع در جهان کنونی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. ایران به عنوان کشوری که دارای آثار فرهنگی بسیار چشمگیری می‌باشد نیز می بایست هر چه بیشتر در جهت حفظ و استفاده از این مفاخر بکوشد. یکی از راههای حفظ آثار تاریخی پرداختن به بحث های حقوقی از جنبه های مختلف می باشد که یکی از جنبه های فوق، جنبه حقوق کیفری است که به علت خصوصیت حقوق کیفری و ضمانت اجراهای بهتر آن برای جلوگیری از وقوع جرایم علیه آثار فرهنگی و در نتیجه حفاظت بهتر از آن از کارایی بیشتری برخوردار می‌باشد همانگونه که مقنن از ابتدا لطمه زدن به آثار فرهنگی را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین نموده است و کنوانسیونهای بین المللی نیز حفظ آثار فرهنگی و وضع مجازات کیفری و غیر کیفری علیه مجرمان را الزام آور دانسته است. با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، مقررات جزایی باید با واقعیت زمان خود منطبق باشند. در این مقاله سعی شده است ضمن شناخت کلیات و ارکان جرایم علیه آثار فرهنگی، حقوق ایران به عنوان کشوری با پیشینه تاریخی چشمگیر بحث شود تا با شناخت نقاط ضعف و قدرت هر یک، به روز نمودن قوانین کیفری ایران در این زمینه کمک کنیم.

پیشینه قراردادهای

توجه به میراث فرهنگی در سطح جهانی، تقریباً همزمان با سالهای تجدید حیات ادبی در اروپا آغاز شد. «واتل^۴» از اندیشمندانی می‌باشد که معتقد است: «به هر دلیلی که به یک کشور حمله شود، باید از تخریب بناهایی که موجب فخر آدمی است، خودداری کرد.»^۵ در قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی گسترش علوم جدید باعث گردید که به تدریج امر پژوهش و حفاظت از میراث فرهنگی در حقوق داخلی کشورها وارد شده و ضمانت اجراهای مناسب خود را در قالب قوانین کیفری بیابد اما حضور میراث فرهنگی در حقوق بین الملل با تأخیر بیشتری انجام گرفت. سرانجام توجه به میراث فرهنگی به موازات ارتقاء اندیشه در جهان رشد چشمگیری یافت و در این زمینه تشکیل

^۱ - Cultural-historical monuments

^۲ - Legal protection

^۳ - Criminal protection

^۴ - Vatl

^۵- نوریها، رضا، «بررسی قرارداد حمایت از اموال فرهنگی»، مجله حقوقی، انتشارات دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۶ و ۱۷.

سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵، نقطه عطفی در قانونمند شدن توجه جهانی در موضوع میراث فرهنگی به شمار می‌رود.

ضرورت تحدید دامنه جنگ و اتخاذ شیوه‌هایی در جلوگیری از آن به منظور مصونیت جامعه بشری از خسارات جانی، مالی، اجتماعی و فرهنگی و .. باعث گردید تا اولین معاهدات بین المللی در حیطه میراث فرهنگی در سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ و در جهت حفاظت از آن در قبال صدمات ناشی از جنگ‌ها، شکل بگیرد. و به این ترتیب در سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ دو کنوانسیون بین المللی راجع به جنگ و تبعات آن در لاهه تدوین و امضاء شد که بطور مستقیم حفاظت از میراث فرهنگی را مورد اشاره قرار داده‌اند.^۱

در سال ۱۹۰۷ متن کنوانسیون‌های «اصول و مقررات جنگ‌های زمینی» و «بمباران توسط نیروهای دریایی در زمان جنگ» صراحتاً خودداری از تهاجم بر علیه آثار و بناهای فرهنگی- تاریخی را مورد حکم قرارداد داده است. در هر دو کنوانسیون مذکور، ماده زیر گنجانده شده است: «تمامی اقدامات لازم می‌بایست به کار گرفته شود تا حتی الامکان از آثار باستانی، با علم به اینکه نباید بعنوان هدف نظامی مورد استفاده قرار گیرند، چشم پوشی شود.»

اصول مذکور در این کنوانسیون‌ها، با تغییراتی که ناشی از تحول اندیشه حفاظت از فرهنگ و میراث فرهنگی در زمان خود بود، در فاصله سالهای ۱۹۲۳-۱۹۲۲ میلادی در کنوانسیون مربوط به «جنگ هوایی» تکرار شدند و کنوانسیون ژنو (۱۲ آگوست ۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی به آن نیز که مجموعاً به عنوان «کنوانسیون ژنو» نامیده می‌شود، اصول مندرج در این کنوانسیون‌های لاهه را بصورت کامل‌تری پیش بینی نموده است.

سازمان‌های بین المللی که مولود گسترش و پیچیدگی روزافزون روابط بین المللی و منبث از اندیشه‌های آرمانگرایانه اندیشمندان می‌باشند، تقریباً در تمام سطوح زندگی بین المللی از فرهنگ تا اقتصاد و از هنر تا سیاست، به اشکال گوناگون شکل یافته‌اند.^۲ برای تحقق این هدف، دولت‌های مربوط تصمیم به تأسیس سازمان‌های آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد یونسکو گرفتند تا با همکاری ملل جهان در زمینه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی به تدریج به اهداف صلح بین المللی و رفاه عام بشری برسند و این خود از اهداف اولیه سازمان ملل متحد است که در منشور آن نیز آمده است.^۳ کنوانسیون‌هایی که این سازمان تصویب نموده است به شرح ذیل می‌باشد:

کنوانسیون ۱۹۴۸ بیروت در مورد کاهش عوارض گمرکی تولیدات صوتی و تصویری که ماهیت آموزش علمی و فرهنگی دارند.

کنوانسیون جهانی حمایت از حقوق مولف ۱۹۵۲

کنوانسیون ۱۹۵۴ در رابطه با حفاظت از میراث فرهنگی در برابر صدمات ناشی از جنگ

کنوانسیون ۱۹۷۰ در مورد اتخاذ تدابیر به منظور جلوگیری از ورود و صدور و انتقال غیر قانونی مالکیت اموال فرهنگی - تاریخی

کنوانسیون ۱۹۷۲ در مورد حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان

کنوانسیون ۱۹۹۵ درباره اعاده اموال فرهنگی قاچاق و مسروقه

کنوانسیون حفاظت میراث فرهنگی زیر آب ۲۰۰۱

از دیگر سازمان‌های بین المللی که در این زمینه می‌توان نام برد عبارتند از کمیسیون جهانی مستقل فرهنگ و توسعه، شورای بین المللی موزه‌ها ICOM، مرکز بین المللی مطالعه، حفاظت و مرمت اموال فرهنگی ICOROM و شورای بین المللی ابنیه و محوطه‌های فرهنگی - تاریخی ICOMOS که به علت کوتاه بودن تحقیق در این مختصر مورد بررسی قرار نگرفت.^۴

امر استرداد اموال فرهنگی که در جریان جنگ‌ها، توسط دول اشغالگر به عنوان غرامت جنگی یا عناوین مشابه پیش‌بینی شده است، در حقوق بین الملل معاصر، نخستین بار در ماده ۲۴۷ «پیمان صلح ورسای» آمده است.

به این ترتیب سابقه تاریخی توجه جدی جامعه جهانی به امر استرداد اموال فرهنگی - تاریخی و هنری از کشوری که به طور غیرقانونی متصرف آن است، به کشور مبدأ این قبیل اموال و تأثیر این توجه در حقوق بین الملل معاصر از دهه ۶۰ قرن حاضر میلادی آغاز شده است.^۵

در این زمان تلاش جامعه جهانی برای یافتن راه حل منطقی و منطبق با اصول مسلم حقوقی مشترک میان سیستم‌های مختلف حقوقی جهان به منظور حل معضل «استرداد اموال فرهنگی» منجر به مداخله یونسکو و تدوین معاهدات گردید:

۱- کنوانسیون اروپایی حفاظت از میراث باستانی

۱- صمدی، یونس، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین الملل، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۲، صص ۲۴۰-۲۳۷

۲- صمدی، یونس، صمدی، یونس، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین الملل، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۲، ص ۳۶۱

۳- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به، موسی زاده، رضا، سازمان‌های بین الملل، تهران، انتشارات میزان، سال ۱۳۹۶.

۴- صمدی، یونس، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین الملل، همان، صص ۳۷-۳۶

۵- صمدی، یونس، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین الملل، ص ۳۹.

۲- کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی (اتحادیه اروپا)

۳- کنوانسیون استرداد اموال مسروقه و قاچاق

۴- کنوانسیون کمکهای متقابل اداری به منظور پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی

معاهدات ردیف های ۱ و ۳ از جمله معاهدات منطقه‌ای می‌باشند که نقش عمده ای در حل معضل جهانی استرداد اموال فرهنگی ندارند ولی معاهدات ردیف‌های ۲ و ۴ به دلیل جهانی بودن، در این زمینه از مهمترین اسناد بین المللی محسوب می‌گردند. از قرن نوزدهم، میراث فرهنگی منقول کشورهایی که صاحب قدمت طولانی و تمدن می‌باشند، مورد تاراج کشورهای اروپایی قرار گرفت و تلاش کشورهایی که در طول بیش از یک قرن گذشته آماج این غارت بودند، سبب شد که این امر استرداد اموال فرهنگی- تاریخی به کشورهای مبدأ، به عنوان یک اندیشه پذیرفته شده، در مجامع جهانی مقبولیت یافته و دولت‌ها را به ایجاد موازین حقوقی متناسب برای کنترل قاچاق و اعاده اموال فرهنگی برانگیزاند. یونسکو در کنگره چهاردهم، موضوع را مورد بحث جدی قرار داد و در سال ۱۹۶۴ توصیه نامه‌ای منتشر گردید که بیشتر جنبه اخلاقی داشت ولی توانست تفاهم جهانی برای انعقاد یک کنوانسیون بین المللی را فراهم بیاورد. بدین ترتیب کشورهایی که خواهان استرداد اموال فرهنگی خود بودند از یک سو، و از طرف دیگر کشورهای غربی برای حفظ وضع موجود، در زمینه اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه، نقطه نظرات مشترکی پیدا کردند که کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو حاصل این نیاز مشترک است.

کنوانسیون مربوطه به دنبال توصیه نامه ۱۹۶۴ یونسکو و بر مبنای مفاد اعلامیه «اصول همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی»^۱ که در چهاردهمین نشست کنفرانس عمومی یونسکو تصویب شده بود، شکل یافت. گزارش آن در اجلاس پانزدهم به تصویب رسید و تدوین نهایی کنوانسیون در فاصله اجلاس پانزدهم تا شانزدهم انجام یافت و نهایتاً در جریان اجلاس شانزدهم و در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۰ در پاریس منعقد شد.

البته اشکالات اجرائی موجود در معاهده مورد بحث سبب شد تا معاهدات ۱۹۹۵ «یونیدرویت» و ضمیمه ۱۱ از کنوانسیون ۱۹۹۵ «نایروبی» نیز امر استرداد را در حیطه حقوق بین‌الملل خصوصی و همکاری‌های مشترک طرفین در امور گمرکی مدنظر قرار دهند. در ادامه حمایت‌های اسلامی از میراث فرهنگی کشورها، باز هم کنفرانس عمومی سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد در هفدهمین اجلاس خود، مقررات تازه‌ای را به صورت کنوانسیون، که متضمن روش‌های مؤثری در جهت حمایت جمعی از میراث فرهنگی و طبیعی دارای ارزش استثنائی بود، را در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ و تحت عنوان «کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان» مورد تصویب قرار داد.

سرزمین ما تاریخی بس کهن دارد، به جرأت می‌توان ادعا کرد که اولین استقرار های بشر در دهکده‌ها در سرزمین ما اتفاق افتاده است. قدیمی ترین مسکن‌ها و ابعاد ده نشینی، از ابداعات مردم این سرزمین بوده؛ استفاده از مس در هزاره پنجم قبل از میلاد یعنی ۷۰۰۰ هزار سال پیش در ناحیه کرمان امروزی متداول بوده است.

به اعتراف متخصصین و پژوهشگران به حفاری‌های انجام یافته در ایران، صنعت کشور ما از مصر و بابل قدیمی تر می‌باشد. چنانچه آثار و نمونه‌های به دست آمده به احتمال نزدیک به یقین زیست انسان را در این پهنه تا عصر حجر قدیم بالا می‌برد.^۲

«جوز و خیابارباور» در بازدید از تخت جمشید سخت تأثیر عظمت آثار معماری آن قرار گرفته واز آن به عنوان چهل حفار یاده کرده است. وی از این که آگاه شد در سرزمین تاتارها گنجی نهفته، خرسند گردیده و با همراهان خود تصمیم به حفاری آن گرفته و برای انجام آن کار ۱۲۰ تن را اجیر کرد و به کار گمارد و احتمالاً نخستین محموله اموال فرهنگی مشرق زمین را با خود به اروپا برد.^۳

«دو مورگان»^۴ در نقب‌های دالان مانندی که در شوش حفر نموده بود، نزدیک ۱۲۰۰ کارگر به کار گرفته بود؛ وی از حاصل اکتشافات خود، در پاریس به ایجاد نمایشگاهی دست زد که لوحه حمورابی پادشاه بابل، یکی از پرافتخارترین اسناد تاریخی جهان و یادگار فتوحات ایرانیان در پیروزی بر امپراتوری بابل، در میان این آثار بوده و هم اکنون هم یکی از برجسته‌ترین اشیاء موزه لوور است.^۵ با توجه به

^۱ - کنفرانس عمومی، که منعقد شده است به اجرای کامل حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر مطابق با موارد مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد حقوقی معتبر جهانی، از جمله دو اعلامیه بین‌المللی سال ۱۹۶۶ در مورد حقوق سیاسی و مدنی و حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، با یادآوری تأکید یونسکو در مقدمه اساسنامه آن مبنی بر اینکه «ترویج فرهنگ در سطوح گسترده و آموزش انسان‌ها در جهت نیل به عدالت و آزادی و صلح در دستیابی به کرامت انسانی دارای اهمیت و از اجزای جدایی‌ناپذیر آن است و با توجه به اینکه عمل به این مهم وظیفه‌ای مقدس است که جز در سایه همکاری‌های متقابل و اهداف مشترک دست‌یافتنی نیست.»
^۲ مجله میراث فرهنگی، شماره هشتم، سازمان میراث فرهنگی، سال ۱۳۷۲، ص ۱۴.
^۳ آفاق توحیدی (۱۳۹۲). آشنایی با میراث فرهنگی، ص ۲۲.

مطالب گفته شده و اهمیت آثار تاریخی و فرهنگی و قدمت کهن ایران باستان لازم است به موضوع مورد بحث بیشتر توجه شده و به هویت فرهنگی و تاریخی خود ارج نهیم.

آثار فرهنگی

آنچه که امروزه از آن به نام اموال تاریخی فرهنگی یاد میشود، از آثار فرهنگی گرفته شده همان طور که در اولین قوانین نیز به نام آثار فرهنگی آمده است.

آثار فرهنگی ترکیبی اضافی متشکل از دو کلمه است. اضافه شدن لغت فرهنگی به کلمه آثار آنرا مقید نموده و منصرف به آثاری میگرداند که تجلی عینی و خارجی اندیشه ها و تفکرات انسانها در طول تاریخ هستند. قانونگذار ایرانی در پاره ای از متون قانونی به جای آثار فرهنگی از اصطلاح اموال فرهنگی استفاده نموده و آن را مترادف آثار ملی قرار داده است. به نظر میرسد که بین آثار فرهنگی و اموال فرهنگی تفاوتی وجود دارد. چرا که بین آثار فرهنگی و اموال فرهنگی رابطه عموم خصوص مطلق وجود دارد به این صورت که تمام اموال فرهنگی، آثار فرهنگی هستند ولی بالعکس هر اثر فرهنگی، جزء اموال فرهنگی نیست و به نظر میرسد که بکار بردن کلمه آثار فرهنگی به جای اموال فرهنگی مناسب تر باشد. مفهوم اموال فرهنگی در قوانین ما محدودیتهایی را ایجاد میکند. بدین معنا که کلمه «مال» یا «اموال» عبارت است از آن چیزی که دارای ارزش اقتصادی بوده و قابلیت تبدیل به پول را داشته باشد و قابلیت تملک و تصاحب را نیز داشته باشد. در حالی که بعضی از «اشیاء عتیقه» مال محسوب نمی شود. مثلاً (جسد مومیایی شده تکلیف روشنی ندارد. چرا که مومیایی، جسد انسان است و از نظر فقه مال نیست. اما از آنجا که اثری از گذشته فرهنگی یک ملت است، به راحتی در بازارهای جهانی نرخ گذاری و خرید و فروش می شود.) بنابراین به کار بردن کلمه (مال) می تواند مواردی آثار ملی را بلا تکلیف گذارد. بنابراین شایسته است که از کلمه «آثار» به جای کلمه ی (اموال) استفاده شود.^۱

آثار تاریخی

فرهنگ لاروس نیز از اثر تاریخی، تعریفی ارائه داده است: «اثر تاریخی به بنا و یا شیئی منقول اطلاق می شود که به یک اجتماع یا فرد مخصوصی تعلق داشته و به خاطر ارزش تاریخی و یا هنری آن به دنبال یک طبقه بندی اداری، جهت تأمین حفاظتش تحت نظام قانونی قرار گیرد». به نظر برخی از اساتید حقوق، آثار تاریخی، اشیاء و ابنیه ای هستند که به علت گذشت زمان طولانی بر آنها، یک قوم به آنها علاقه تاریخی پیدا کرده باشند.^۲ عده ای دیگر معتقدند که: «بناها، مجموعه ها، اماکن، محوطه های تاریخی، نگاره ها، تندیس ها، پیکره ها، کتیبه ها، نقوش، آذین ها و هر عنصر تاریخی که به آثار متصل یا متکی و یکصد سال و بیشتر از عمر آنها گذشته باشد، اثر تاریخی محسوب می شود».^۳ ماده یک قانون راجع به حفظ آثار ملی در تعریف آثار ملی بیان داشته است: «کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی که تا اختتام دوره ی سلسله ی زنده در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیر منقول با رعایت ماده ۴ این قانون می توان جزو آثار ملی ایران محسوب داشت و در تحت حفاظت و نظارت دولت می باشد.»^۴ قطعنامه موسوم به ونیز در مورد حفظ و مرمت میراث فرهنگی مصوب ۱۹۶۴ اثر تاریخی را نه تنها شامل ساخته های معماری منفرد میداند، بلکه فضای شهری و مناظر را که مبین یک تمدن خاصی از یک تحول مشخص و از یک حادثه تاریخی است را نیز شامل میداند. این مفهوم تنها مختص به ساخته های معماری بزرگ نبوده بلکه در مورد ابنیه و آثار کوچک معماری که به مرور معنا و مفهوم فرهنگی به خود گرفته اند نیز به کار برده می شود.

آثار تاریخی به دو گروه ملی و مذهبی تقسیم می شوند:

- ۱) آثار مذهبی: به کلیه ابنیه و اشیایی اطلاق می شود که به جهت علایق دینی و اعتقادی ایجاد شده باشند.
- ۲) آثار ملی: به کلیه آثار صنعتی، ابنیه و اماکنی که تا پایان دوره زنده در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیرمنقول اطلاق می شود.

خصوصیت و ویژگی که از نظر این قانون، باعث می شود یک مال در فهرست آثار ملی قرار بگیرد عبارت از قدمت آن اثر می باشد. بدین معنا که از نظر زمانی، ساخت این مال باید حداکثر تا پایان حکومت زنده صورت پذیرفته باشد. بنابراین اگر مالی هر چند از لحاظ ساختار هنری و تاریخی منحصر به فرد باشد و لیکن بعد از تاریخ مزبور ساخته شده باشد، نمی تواند جزء آثار ملی محسوب شود و به خاطر

^۱ - برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به سایت خبرگزاری میراث فرهنگی به نشانی www.chn.ir

^۲ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ یازدهم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۶، ص ۱

^۳ - خلیلیان، علی محمد، اموال فرهنگی در گستره تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۸، ص ۲۱.

^۴ - ماده یک قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹

همین امر مقنن در سال ۱۳۵۱ قانون ثبت آثار ملی را تصویب نمود که مطابق آن وزارت فرهنگ و هنر^۱ اجازه دارد آثار غیر منقولی را که از نظر تاریخی یا شئون ملی واجد اهمیت باشند را صرف نظر از تاریخ یا پیدایش آن با تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر در عداد آثار ملی مذکور در قانون به ثبت برساند. قبل از تصویب این قانون، آثار ملی بسیاری وجود داشتند که تاریخ ایجاد آنها به بعد از سلسله زندیه در ایران مربوط می شد و آثار ارزشمند بسیاری را که از زمان قاجاریه به بعد ایجاد شده بودند را شامل نمی شد.^۲ قانونگذار با تصویب این قانون ملاک قبلی تشخیص آثار ملی را تا حد نسبتاً مطلوبی توسعه بخشید.

آثار فرهنگی-تاریخی: از نظر کارشناسان سازمان میراث فرهنگی بناها مجموعه ها اماکن محوطه های تاریخی نگاره ها، تندیس ها، پیکره ها کتیبه ها، نقوش، آذین ها و هر عنصر تاریخی دیگر که به آثار مورد نظر متصل یا متکی باشد و ۱۰۰ سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد آنها گذشته باشد و آثار واجد شئون ملی و نظایر آنها را آثار فرهنگی-تاریخی می گویند.^۳

-قاچاق: قاچاق یک واژه ترکی بوده که به معنای گریزاندن فرار دادن و فرار آمده است. از نظر اهل لغت این واژه دارای دو معنا متفاوت از یکدیگر می باشد؛ در واقع این لغت هم دارای معنای اسم مصدری بوده و هم در خیلی از مواقع به معنای اسم آلت مورد استفاده قرار می گیرد زمانی که این کلمه به عنوان اسم مصدر بکار برده می شود، عبارت از متاعی است که معامله یا ورود آن به داخل کشور ممنوع می باشد.

در تعریف قاچاق گفته می شود «۱- کار غیر قانونی که پنهانی انجام شود ۲- کالاهایی که حمل و نقل یا خرید و فروش آن منع قانونی دارد؛ کالاهایی که خرید و فروش یا ورود و صدور آن در انحصار دولت بوده و قاچاقی کسی است که کارش خرید و فروش جنس قاچاق می باشد».^۴

در ترمینولوژی حقوق در مقام توضیح و تعریف قاچاق گفته شده: «قاچاق contrebände در معانی زیر به کار می رود:

الف) حمل و نقل کالا از نقطه ای به نقطه ای (دلخواه دو نقطه مزبور در داخل کشور باشد «قاچاق داخلی» خواه یک نقطه در داخله و یک نقطه در خارجه باشد که آنرا قاچاق خارجی می گویند) بر خلاف مقررات مربوط به حمل و نقل به طوری که این عمل ناقض ممنوعیت یا محدودیتی باشد که قانوناً مقرر شده است (خواه عمل مزبور ناقض امتیاز یا انحصاری باشد خواه نه)

مثلاً صدور و ورود اجناس مجاز بدون دادن عوارض گمرگی قاچاق گمرگی است (ماده ۳۴ ق. مجازات قاچاق مصوب ۱۳۱۲) و حمل و نقل اجناس در داخل کشور بدون دادن عوارض بلدی عنوان قاچاق بلدی را دارد (ماده ۳۷ قانون مذکور) اعمال مقدماتی صدور اجناس مزبور هم عنوان قاچاق را دارد (ماده ۴۵ ق. م. مرتکبین قاچاق ۱۳۱۲).

ب) خرید و فروش و یا نگهداری اجناس مذکور فوق (ماده دون قانون راجع به فروش اجناس ممنوعه مصوب ۱۳۱۴).

ج) اجناس مذکور فوق که مورد فعل قاچاق قرار می گیرند، نیز عنوان قاچاق دارد فاعل فعل قاچاق را قاچاقی گویند».^۵

قانونگذار دربند دال از قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۹ آذر ماه ۱۳۶۹ در تعریف بزه قاچاق اشیاء عتیقه مقرر می دارد: «هر گونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروتهای ملی اگر چه به خارج کردن آن نینجامید قاچاق محسوب و کلیه اموالی که برای خارج کردن از کشور در نظر گرفته شده است، مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط می گردد.» اگر چه این عنصر «هر گونه اقدامی» اشاره به عنصر مادی بزه قاچاق اشیاء عتیقه دارد لیکن واژه مزبور یک واژه بسیار کلی بوده که در هنگام تعیین و حصاء مصادیق آن، با مشکل مواجه خواهد شد.

این درست است که در ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق بعضی از مصادیق این جرم احصاء شده و آنها عبارتند از: خارج کردن اشیاء عتیقه، تسلیم کردن اشیاء عتیقه به قصد حمل و نقل، تسلیم کردن اشیاء عتیقه به هر شخصی برای خارج کردن؛ لیکن در عمل ما همیشه با این مصادیق روبرو نیستیم پس تکلیف مصادیق دیگر این بزه با قید در «هر گونه اقدامی» چه می شود؟

عنصر قصد خارج کردن در تعریف بزه قاچاق اشیاء عتیقه مقنن، اشاره به عنصر جرم مذکور دارد: نکته قابل توجه در خصوص این قید آن است که احزار قصد مجرمانه افراد بر خلاف احزار عناصر دیگر هر جرم که آثار خارجی دارند، امری بسیار مشکل و کاری بس دقیق و ظریف است بدین معنی که هر کس دریافت مواد قانونی و انطباق آن با مورد مثلاً عنصر قانونی و یا ملاحظه و مشاهده آثار خارجی عمل ارتكابی تقریباً با مشکلی روبرو نبوده اما احزار قصد و نیت سوء مرتکب به لحاظ اینکه از جمله عوامل درونی و ذهنی می باشد، بسی مشکل

^۱ - در حال حاضر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان میراث فرهنگی کشور.

^۲ - برای اینکه این گونه آثار از مزایای حمایتی مربوط به آثار فرهنگی بهره مند شوند، این ماده واحده به تصویب رسید.

^۳ خلیلیان علی محمد: اموال فرهنگی در گسترده تاریخیهای معاصر ایران، مجله میراث فرهنگی، ش ۱۶؛ پائیز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۲۵.

^۴ مشیری، مهشید: فرهنگ الفبائی؛ قیاسی زبان فارسی ۱۳۹۶، تهران، انتشارات سروش، ص ۷۸۱.

^۵ جعفری لنگرودی، محمد جعفر: ترمینولوژی حقوق؛ چاپ نهم، ۱۳۹۴، تهران، انتشارات گنج دانش، ص ۵۱۰.

است و تنها در اثر تجربه تسلط اشخاص و وجود قرینه های خارجی است که می توان به وجود قصد پی برد برای مثال جاسازی را برای احراز قصد باید قرینه مثبت به حساب آورد یا سوابق کاری و حسن شهرت یا سوء شهرت مرتکب را عامل مهمی در احراز یا عدم احراز قصد دانست.^۱

به نظر می رسد تعریف زیر تعریف کاملی برای بزه و قاچاق اشیاء عتیقه باشد: «خارج کردن غیر قانونی میراث فرهنگی از کشور قاچاق محسوب می گردد؛ شروع به ارتکاب این جرم در حکم ارتکاب خواهد بود.» همان گونه که ملاحظه می گردد، در این تعریف از آوردن قیدهای «هر گونه اقدامی» و «قصد خارج کردن» اجتناب گردیده و از طرفی خواسته و منظور مقنن که در تعریف این جرم در بند دال قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور قید شده در اینجا موجود است زیرا:

اولاً: از نظر بزه قاچاق اشیاء عتیقه از جمله جرایم عمدی است که اثبات مسئولیت کیفری و اجرای مجازات درباره قاچاقچیان اشیاء عتیقه منوط به احراز و اثبات عنصر معنوی و روانی خواهد بود.

ثانیاً: تمایل قانونگذار از حیث تلقی هر گونه اقدامات و عملیات ابتدایی قاچاقچیان اشیاء عتیقه در جهت خارج نمودن اشیاء عتیقه از کشور به منزله اعمال نهایی و نتیجتاً ارتکاب کامل جرم با توسط و تمسک به رأی وحدت رویه شماره ۳۰۶۷ مورخه ۱۳۳۹/۷/۱۳ ه.ع.د.ع.ک. می باشد که متن آنرا عیناً نقل می نماییم: «با احراز قصد متهم به خارج کردن طلا از مملکت هر گونه اقدامی که برای عملی کردن آن انجام داده باشد بزه قاچاق طلا به طور کامل انجام یافته تلقی می گردد.»

«موضوع قاچاق یکی از مسائل مهم اجتماعی است که رابطه مستقیم با سیاست بازرگانی و سیاسی و پولی کشور دارد به همین جهت قانونگذار برای ان قوانین خاص وضع کرده که گاهی با اصول کلی منطبق نمی باشد.^۲

مقنن در امر قاچاق اولین نشو و نمای آنرا قابل تعقیب دانسته است در صورتیکه طبق اصول کلی اعمال مقدماتی از آغاز و عملیات اجرایی متمایز بوده و غیر قابل مجازات است. در وضع قوانین قاچاق از روش درونی تبعیت شده تا متصدیان تعقیب بتوانند جامعه را به سهولت از دستبرد قاچاقچیان ایمن سازند به این منظور مقنن اعمالی را که مبین اراده قطعی و مجازم مرتکب در ارتکاب آن است قابل تعقیب و مجازات دانسته است. زیرا فاصله اخلاقی موجود بین عمل ارتکابی مرتکب و هدف او به قدری کم است که اگر او را آزاد گذارند مطمئناً آن فاصله را می پیماید.

در این مورد اعمال اولیه به مثابه اعمال نهایی تلقی شده و مجازات جرم کامل برای آن معین گردیده است. در ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مقنن همین رویه را اتخاذ نموده است در این ماده برای جلوگیری از قاچاق اشیاء ممنوع الصدور اعمال مقدماتی در عداد اعمال نهایی که موجب تشکیل جرم کامل می گردد قرار گرفته است.

زیرا سه عمل بشرح زیر:

۱- خارج کردن اشیاء ممنوع الصدور،

۲- تسلیم آن به متصدی حمل و نقل،

۳- تسلیم آن به شخص دیگر برای خارج کردن از مملکت،

از لحاظ اهمیت در عرض هم قرار گرفته است، بدیهی است طبق اصول کلی مسئولیت شخصی که طلا از کشور خارج کرده از مسئولیت شخصی که در مقام خرید آن بر آمده و به قصد خارج کردن آن به منطقه مرزی حمل نموده بیشتر است ولی برای اینکه متصدیان تعقیب قبل از خارج شدن طلا حق بازرسی و تعقیب را داشته باشند و قاچاقچیان در معرض مجازات شدید قرار گیرند مقنن صرف خرید طلا (هر نوع کالای ممنوع الصدور) و حمل آنرا بمنظور خارج کردن که از مشمولات مسلم مورد سوم ماده ۴۵ قانون مزبور است قابل تعقیب دانسته و مجازات آنرا مجازات جرم کامل قاچاق قرار داده است.

بنابراین مقدماتاً هیئت عمومی دیوانعالی کشور با اکثریت آراء به این شرح رای داده اند: قسمت اخیر ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق هر یک از اقدامات ذیل: ۱- خارج کردن اشیاء ممنوع الصدور ۲- تسلیم آن بمتصدی حمل و نقل یا هر شخص دیگر برای خارج کردن ۳- هر نوع اقدام دیگر برای خارج کردن از مملکت را به تنهایی ارتکاب قاچاق اشیاء ممنوع الصدور دانسته است علیهذا با احراز قصد متهم به خارج کردن طلا (کالای ممنوع الصدور) از مملکت هر گونه اقدامی که برای عملی کردن آنها انجام داده باشد مشمول شق ۳ از موارد سه گانه فوق الذکر بوده و بزه قاچاق به طور کامل انجام یافته تلقی می گردد.^۳

۱- نکته دیگری که بایستی در این قسمت به آن توجه شود، این است که از نظر مبانی حقوق کیفری برای تحقیق هر جرمی علاوه بر عنصر قانونی و مادی عنصر معنوی نیز باید وجود داشته باشد و در واقع اثبات مسئولیت کیفری و اجرای مجازات درباره مرتکبان جرم موکول به احراز قصد مجرمانه در آنها می باشد، در نتیجه ذکر قید «قصد خارج کردن» در تعریف این جرم از حیث اشاره کردن به عنصر روانی امری زاید است.

۲- این روش استثنایی در موارد دیگری غیر از قاچاق نیز اتخاذ شده است.

۳- نقل از آرشیو حقوقی روزنامه کیهان، جلد اول، مجموعه رویه قضائی صفحه ۲۴۵.

-اهمیت آثار تاریخی و فرهنگی:

آثار تاریخی و فرهنگی از جهات گوناگون واجد اهمیت هستند برخی از این جهات به شرح ذیل بوده:

اهمیت اقتصادی: حفظ نگهداری و کوشش در جهت مرمت و بازسازی آثار تاریخی فرهنگی از جهت اقتصادی می تواند واجد اهمیت باشد به نحوی که بهترین وسیله در جهت جلب گردشگران و جهانگردان خارجی به کشور و در نتیجه گسترش صنعت توریسم و متعاقباً کسب در آمد و رونق بخشیدن به اقتصاد ملی می باشد و نیز می تواند نماینده فرهنگ و تمدن غنی چندین هزار ساله ایران به جهان و جهانیان و نتیجه کسب وجهه مناسب در سطح بین المللی باشد.

اهمیت بعد اقتصادی بر کسی پوشیده نیست به عنوان مثال می توان کشور باستانی یونان را در نظر گرفت این کشور در سال ۱۹۹۲ تنها ۱۰ میلیون نفر جمعیت داشت و در همان سال پذیرای ۱۰ میلیون جهانگرد بود و نتیجتاً ۶ میلیارد دلار درآمد از این وضعیت کسب نمود از سوی دیگر می توان کشور اسپانیا را مثال زد که در همین سال موفق به کسب ۲۰ میلیارد دلار شده بود؛ در حالی که کشور ما از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۲، بالاترین رقمی را که از این طریق بدست آورده بود مربوط به سال ۱۳۶۰ به میزان ۶۷۸۱۵۷ دلار بوده است.^۱

اهمیت فرهنگی: از دید فرهنگی آثار تاریخی می تواند بازگو کننده پیام معنوی بشر در طول تاریخ و شاهد زنده و گویای سنت های باستانی در زندگی امروزی باشد. همچنین می تواند بیانگر قدمت واصلت تمدن بشر امروزی در طول تاریخ ومدیرک مناسبی در جهت اثبات هویت ملی هر قوم و ملتی باشد.

اهمیت باستان شناسی: آثار تاریخی و فرهنگی به عنوان تنها مدرکی هستند که می توانید بیانگر چگونگی آداب و رسوم ارزشها و هنجارها مذهب قوانین و مقررات، اعتقادات، اخلاقیات، هنر، علم زبان سیاست و .. ملتها در طول تاریخ و سیر تکوین، تحول، تکامل و یا زوال آن باشند در واقع این آثار همچون شناسنامه و ورقه هویت آدمی می باشند که به واسطه آن می توان آن ملت را شناخت تا جایی که می توان ادعا نمود که این گونه اموال، تاریخ مجسم یک ملت می باشد و ملت بدون تاریخ، ملتی بی دنباله است.

آثار تاریخی و فرهنگی آینه گذشته یک ملت بوده خصوصاً در رابطه با انحصار قدیمی که در آنها وسایل انتقال فرهنگ و پیام، از قبیل کتاب و وسایل ارتباط جمعی نداشته است، این آثار تنها سند آن برهه به شمار می روند و چه بسا یک سفال شکسته به ظاهر بی ارزش یا یک کتیبه در حال نابودی گوشه ای از رفتار های اجتماعی یا علم و تمدن پیشینیان را آشکار نماید.

اهمیت مذهبی: میراث فرهنگی از دیدگاه مذهبی وسیله ای برای عبرت گذشتگان و درس گرفتن و تقویت تقوی است از نقطه نظر اسلامی آثار به جای مانده از گذشتگان به عنوان وسیله ای مناسب برای درس عبرت گرفتن از زندگی پیشینیان و توجه به عاقبت ستمکاران و زراندوزان و در نتیجه آموختن شیوه درست زیستن می باشد. قرآن کریم در آیات مختلف به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به این موضوع اشاره نموده و همواره بر عبرت گرفتن از پیشینیان تأکید نموده است به عنوان مثال در آیات ۳۶ و ۳۷ سوره «ق» آمده:

«و کَم اهلکنا قبلهم من قرن اشد منهم بطناً فتقبوا فی البالد هل من محیص ان فی ذلک لذکر لمن کان له قلبا و المقی السمع و هو شهید».

و چقدر طوایفی را پیش از اینان ما هلاک کردیم که به قهر و قوت تر از اینان بودند و در هر دیار راه جستند، آیا با همه نیرومندیشان هیچ راه نجاتی یافتند؟

در این هلاک پیشینیان پند و تذکر است آن را که قلب هوشیاری دارد یا به کلام حق گوش دل فرا می دهد به حقایقش توجه کامل کند و گواهی دهد.

تخریب اموال تاریخی - فرهنگی

جرم تخریب آثار فرهنگی مطابق ماده ۵۵۸ ق.م.ا حبس از یک الی ده سال علاوه بر جبران خسارت وارده می باشد. «مصلحت عموم در این است که جرم نه تنها ارتکاب نیابد، بلکه هر قدر زیان بیشتری به جامعه وارد آورد به ندرت اتفاق می افتد. بنابراین مواعنی که مردمان را از ارتکاب جرم باز می دارد، باید به همان اندازه که این جرایم مغایر با منفعت عموم است و شدیدتر به آن آسیب می رساند؛ قوی تر باشد».^۲ مجازات مذکور برای تخریب آثار فرهنگی تاریخی در صورتی اثر پیشگیری دارد که بزهدکارات به حقیقت آن اعتقاد داشته باشند. به قول سزار بکاریا^۳ «حتمی بودن عقوبتی حتی معتدل، همیشه تاثیری شدیدتر از ترس از مجازاتی موحش که امید رهایی در آن دارد، به جای می گذارد».^۴

^۱ اکبر مرادی؛ مقاله صنعت توریسم نیازمند تفسیری نو با نگاهی نو، روزنامه همشهری، ش ۷۲۷۰.

بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه، محمد علی اردبیلی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵.

^۳ - Cesare Beccaria

همان، ص ۹۹.

مقنن در ماده مزبور مرتکب را به جبران خسارت نیز محکوم نموده است. این جبران خسارت جنبه حقوقی دارد و نمی توان آن را به عنوان مجازات تلقی نمود و حتی اگر جبران خسارت مزبور در ماده‌ی فوق ذکر نشده بود باز هم مطابق قواعد اتلاف و تسبیب و مسئولیت مدنی، مرتکب مکلف به جبران خسارت می‌شد. مجازات تبعی: در زمینه‌ی بحث مورد نظر ما یعنی تخریب آثار فرهنگی- تاریخی از آنجایی که مقنن مجازات یک الی ده سال را برای مرتکبین آن در نظر گرفته است در صورتی که دادگاه این گونه مجرمین را به بیش از سه سال حبس محکوم نماید در این صورت مورد مشمول ماده ۲۵ ق.م.ا. می‌گردد؛ به این معنا که چنین مجرمینی در مدت دو سال پس از اجرای حکم مزبور از کلیه حقوق اجتماعی مطرح در ماده‌ی ۲۶ ق.م.ا. محروم می‌شوند. البته پر واضح است که با عنایت به واژه «محکومان» مذکور در ماده ۲۵ ق.م.ا. ملاک، کیفر مندرج در دادنامه است و نه کیفر قانونی عمل.

مجازات تکمیلی: برابر ماده ۲۳ ق.م.ا. برای اعمال مجازات تکمیلی شخص باید مرتکب یک جرم عمدی مستحق تعزیر یا مجازات بازدارنده شود. ثانیاً تعیین این نوع مجازات در اختیار دادگاه می‌باشد و در صورت صلاحدید آن را مورد حکم قرار می‌دهد.

سرقه اموال تاریخی- فرهنگی

مجازات اصلی: برای جرم سرقت آثار فرهنگی- تاریخی و مداخله در اموال مسروقه تاریخی فرهنگی (خرید و اخفاء) در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت نگردد؛ مجازات استرداد اموال به علاوه یک تا پنج سال حبس را مقرر نموده است. در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت گردد به ترتیب مقرر در ماده ۲۷۸ ق.م.ا. اصلاحی ۱۳۹۲ و به شرح ذیل عمل می‌شود:

الف: در مرتبه‌ی اول: قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن به طوری که انگشت شصت و کف دست او باقی بماند.

ب: در مرتبه‌ی دوم: قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند.

ج- در مرتبه سوم: حبس ابد.

د- در مرتبه‌ی چهارم: اعدام، ولو سرق در زندان باشد.

در اینجا باید گفت: اگر شخص واحد، اشیای مزبور را هم سرقت کند و هم پنهان نماید؛ مشمول یک مجازات است و تعدد مادی پیش نمی‌آید. «چون عمل مخفی نمودن مال مسروق بوسیله سارق، نتیجه‌ی عمل سرقت اوست»^۱. و از طرفی (علم به مسروقه بودن) آثار فرهنگی- تاریخی، نیز موید این مطلب است که مرتکب، شخص غیر ساق است؛ « زیرا نمی‌توان حالتی را تصور کرد که سارق از مسروقه بودن مال آگاهی نداشته باشد. اصل تفسیر به نفع متهم نیز این نظر را تایید می‌کند»^۲. و از «از طرفی فرض بر این است که سارق اشیای عتیقه را پنهان می‌کند و سپس هر عملیات دیگری را که قصد داشته باشد بر روی آن انجام می‌دهد پس برای تحقق جرم اخفای اموال مسروقه‌ی تاریخی لازم است؛ سرقت قبلاً توسط دیگری صورت گرفته باشد و تعدد فاعل ملاک است»^۳.

مجازات تبعی: از آنجایی که مطابق ماده ۲۵ ق.م.ا. اصلاحی ۱۳۹۲ تنها جرایمی که مجازات آنها حبس بیش از سه سال است، مشمول محرومیت‌های مقرر در ماده‌ی مذکور می‌شوند لذا جرم سرقت آثار تاریخی- فرهنگی و مداخله در آن می‌تواند مشمول مجازات تبعی قرار گیرد؛ آن هم به شرطی که در دادگاه در حکم محکومیت مجرم، مجازات حبسی بیش از سه سال را لحاظ نموده باشد.

مجازات تکمیلی: سارق و شخصی که اموال تاریخی- فرهنگی مسروقه را پنهان نموده یا خریده است باید اموال مذکور را مسترد نماید. در امور جزایی «استرداد عبارت است از تسلیم ماده‌ی اموال کشف و اخذ و ضبط و اعاده شده از جانب مجرم است به مالک یا قائم مقام قانونی او، از سوی مرجع و مقام ذیصلاح قانونی، در موارد مقرر در قانون که بواسطه‌ی عمل مجرمانه بزهکار و برخلاف قانون از سلطه و تصرف ید مالک خارج گردیده باشد»^۴ چنانچه از تعریف فوق برمی‌آید استرداد اموال ناشی از جرم را می‌توان جزء مجازات تکمیلی اجباری محسوب نمود. البته این مجازات تکمیلی بیشتر جنبه‌ی تأمینی دارد.^۵ همچنین دادگاه می‌تواند طبق ماده‌ی ۲۳ ق.م.ا. اصلاحی ۱۳۹۲ مجازات تأمینی اعمال نمایند.

حبیب زاده، محمد جعفر، سرقت در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران نشر دادگستر، ۱۳۹۴، ص ۱۹۹.

میر محمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (۲) (جرایم علیه اموال و مالکیت)، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵، ص ۳۱۸.

حبیب زاده، محمد جعفر، سرقت در حقوق کیفری ایران، پیشین، ص ۱۹۹.

محمدی، حمید ضبط، مصادره و استرداد اموال، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۳۰۱.

اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، پیشین، ص ۲۱۲.

شیوه برخورد مراجع انتظامی و قضایی

شیوه برخورد مراجع انتظامی

برای کشف و تعقیب مجرمین قاچاق آثار تاریخی، فرهنگی، طبق قانون هم ضابطان عام داریم و هم ضابطان خاص؛ مأموران و ضابطین دادگستری طبق ماده ۱۵ ق.آ.د.ک. عبارتند از:

- ۱- نیروی انتظامی ج.ا.ا.
- ۲- رؤسا و مدیران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان
- ۳- مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله، ضابط دادگستری محسوب می شوند.
- ۴- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند.

۵- مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در محدوده وظایف محوله، ضابط دادگستری محسوب می شوند. یعنی این مأموران در کشف جرم، بازجویی و تعقیب مجرمین، طبق قانون اقدام می نمایند، چنانچه کسی قصد قاچاق اموال تاریخی-فرهنگی را داشته باشد، هر یک از این مأموران می تواند، مجرمین را تحت تعقیب قرار داده و در کشف جرم، حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از افراد و مخفی شدن متهم به موجب قانون اقدام نماید.

طبق بند اول ماده ۱۵ ق.آ.د.ک، مأموران و ضابطان، عام به حساب می آید و بند ۵ این ماده، ضابطین خاص را شامل می شود یعنی خود مأموران میراث فرهنگی می توانند برای کشف جرم قاچاق اموال تاریخی، مرتکبین این بزه را تحت تعقیب و پیگرد قانونی قرار دهند زیرا طبق ماده ۷ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، اختیارات سازمان عبارتند از: «انجام انحصاری کلیه امور حقوقی مربوط به میراث فرهنگی و طرح دعاوی کیفری علیه متخلفین از قوانین ناظر به میراث فرهنگی کشور به عنوان مدعی یا حسب مورد شاکی خصوصی» و نیز به موجب ماده ۸: «اقدامات لازم جهت شناسایی و استرداد اموال فرهنگی ایران در سطح ملی و بین المللی از طریق مراجع ذیربط» همچنین ماده ۹ مقرر می دارد: «شناسایی و در اختیار گرفتن کلیه اموالی که دارای ارزشهای تاریخی-فرهنگی بوده و جزء میراث فرهنگی محسوب می گردد و توسط دستگاه های مسئول ضبط شده است. تبصره کلیه دادگاهها، گمرکات، نیروهای انتظامی و دستگاه های دولتی نظیر آنها که به نحوی به ضبط اموال اقدام می نمایند، موظف به در اختیار گذاشتن اموالی که دارای ارزش تاریخی- فرهنگی می باشند، به سازمان میراث فرهنگی کشور هستند و در مورد بناها و اموال تاریخی-مذهبی، اوقاف با همکاری سازمان میراث فرهنگی و خود اداره میراث فرهنگی می توانند شکایت کنند».

یکی دیگر از ضابطین، مأموران گمرک هستند که وسایل قاچاق را کشف می کنند. ممکن است کالای همراه مسافر به صورت قاچاق کشف گردد، در این هنگام، آنچه که کشف می گردد، حاصل قاچاق است. در شکل گرفتن این مرحله، تشکیلات میراث فرهنگی و یا کارشناس مربوط هیچ گونه نقشی ندارد؛ تا اینجای کار، تا تشکیل و تنظیم پرونده قضایی در مبادی خروج، این گمرکات هستند که فعال اند، پس از این مرحله، کارشناس سازمان میراث فرهنگی برای اظهار نظر فراخوانده می شود؛ ضرورت دارد که کلیه اموال فرهنگی اعم از آنهایی که در داخل کشور هم ممنوع اند و آنهایی که مجاز می شوند، به صورت مرتب در لیست فرم های کارشناسی ثبت گردد؛ نظریه هر کارشناس ممکن است در معرض تجدید نظر قرار گیرد که با تصویب و تأیید پرونده، موضوع کارشناسی به فرد دیگری احاطه می شود. باید اذعان نمود: در تمامی کارشناسی هایی که با پرونده کیفری ارتباط دارند، تقاضای تجدید نظر فقط با درخواست مراجع قضایی قابل استماع و اجابت است.

بنابراین مأمورین کشف، تعقیب و اجرای حکم درباره قاچاقچیان گمرکی و قاچاق اشیاء عتیقه عبارتند از: دفاتر حقوقی و قضایی گمرک، گارد گمرکات و بنادر، ادارات مرزبانی و سایر ضابطین دادگستری اعم از نیروی انتظامی، بسیج، خود دادرها و دادگاههای انقلاب اسلامی که طبق ماده واحده قانون حدود صلاحیت دادرها و دادگاههای انقلاب مصوب ۱۳۶۲/۲/۱۱ مسئولیت رسیدگی به کلیه جرایم مربوط به قاچاق را عهده دار می باشند.

اهم وظایف دفاتر حقوقی و قضایی گمرک عبارت بوده از:

الف: مطالعه، بررسی و اظهار نظر حقوقی نسبت به طرح لوایح، قراردادهای و لوایح دفاعی اعم از جزایی و مدنی مورد ادعای گمرک و کلیه شکوائیه های واصله از مرکز و شهرستانها.

ب: تنظیم پرونده علیه متهمان به ارتکاب قاچاق و وصول جریمه یا اعزام به دادرها و دادگاه و همچنین نگهداری کالای قاچاق تا ختم رسیدگی و دفاع از پرونده های مربوط در مراجع قضایی و واریز وجوه قطعیت یافته و تحویل کالاهای مربوطه به سازمان و جمع آوری و فروش کالاهای مترو که و یا رد اشیاء و کالاها به صاحبانش در صورت برائت متهمان.

ج: انجام کلیه امور مربوط به ابلاغ و اجراء در رابطه با قاچاق وانجام کلیه امور حقوقی و قضایی گمرک ایران.^۱ از اردیبهشت مال سال ۱۳۳۱، امر مبارزه با قاچاق، در نوار مرزی که واحد گمرکی در آن مستقر نبوده به عهده اداره کل مرزبانی واگذار شده است و ادارات گمرک در مرزها، در امر مبارزه با قاچاق وظیفه ای ندارند. همچنین مأمورین مرزبانی براساس لایحه قانونی تأسیس پلیس گمرک، مصوب ۱۳۳۱ در نوار مرزی را حیث کشف، تعقیب و جلوگیری از قاچاق، ضابط دادگستری محسوب شده اند. در اغلب مرزهایی که ادارات گمرک در آن مستقر هستند، مأمورین دولتی دیگری که حتی ضابط دادگستری نیستند، هنگام برخورد با مسأله قاچاق می توانند آنرا گزارش کنند، گرچه گزارشات آنان، ارزش گزارشات ضابطین رسمی را نداشته اما به نظر می رسد بتوان لاقلاً به عنوان یک اعلام کننده جرم، به گزارشات آنها توجه نمود.

باید گفت کانون کارشناسان در زمینه تشخیص و ارزیابی اشیاء عتیقه، فاقد کارشناس رسمی و اهل خبره بوده و به همین جهت، در عمل محاکم قضایی از سازمان میراث فرهنگی به عنوان کارشناس رسمی در تعیین و تشخیص اشیاء عتیقه کمک می گیرند. به هنگام رسیدگی به جرم قاچاق اشیاء در محاکم، زمانی که سازمان میراث فرهنگی کشور به عنوان خبره و کارشناس رسمی نسبت به ارزیابی، تعیین اشیاء عتیقه اقدام می نماید و نظریه سازمان مزبور به عنوان نظر کارشناسانه مستند و مورد قبول دادگاه قرار گرفته، و از طرف دیگر، همین سازمان به عنوان شاکی خصوصی در جهت حمایت و حفظ این میراث فرهنگی در کنار مأمورین گمرک به تعیین میزان جریمه هر یک از متهمان به این جرم پرداخته و تقاضای مجازات مرتکبین جرم قاچاق اشیاء عتیقه را دارد، ایجاد اشکال می نماید، واضح است که جمع شدن عناوین شاکی خصوصی و کارشناس که اساسی ترین خصلت آن بی طرفی به هنگام کارشناسی می باشد، در یک شخص و یا در یک مرجع از نظر مبانی حقوق کیفری با رعایت حقوق قانونی متهمان که امروزه در تمامی نظام های حقوقی پذیرفته شده، منافات دارد.

شیوه برخورد مراجع قضایی

۱- قرار تأمین مناسب برای متهمان به جرم قاچاق اموال تاریخی-فرهنگی

برابر اصول کلی در حقوق جزایی و به استناد ماده ۱۳۲ ق.آ.د. کیفری، مراجع قضایی مکلفند به منظور جلوگیری از فرار متهم، با توجه به نوع جرم، وضعیت و شخصیت متهم یکی از قرارهای تأمین مندرج در همان ماده را صادر نمایند که عبارت است از:

الف) التزام به حضور با قول شرف.

ب) التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم و در صورت استنکاف تبدیل به وجه الكفاله.

ج) اخذ کفیل با وجه الكفاله.

د) اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول.

هـ) بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در این قانون.

در خصوص قاچاق کالا و اشیاء عتیقه تا قبل از تصویب قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور، تبصره ۱ ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق در مورد اخذ تأمین از متهمین مقرر می داشت:

«در صورتیکه دلایل و قرائن موجود، دلالت بر توجه اتهام کند، به وسیله مرجع تحقیق از متهم تأمین وثیقه گرفته می شود که میزان آن از مبلغ جزای نقدی و بهای مال از بین رفته کمتر نخواهد بود و هر گاه بزه قاچاق با شرکت چند نفر واقع شده باشد، از هر یک از متهمان، وثیقه متناسبی گرفته می شود که مجموع آنها کمتر از مبلغ جزای نقدی و بهای مال از بین رفته نخواهد بود.»

در مورد جرم قاچاق کالا و اشیاء عتیقه، بر خلاف ماده ۱۳۲ ق.آ.د.، اختیار مرجع تحقیق محدود به اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا وثیقه ملکی بود آنهم نه به هر میزان، بلکه به میزانی که کمتر از جزای نقدی یا جریمه و بهای مال از بین رفته نباشد. این محدودیت بود بر اصل کلی مندرج در ماده ۱۳۲ و بدیهی بود، در صورتی که متهم به قاچاق نتواند یا نخواهد وثیقه مورد نظر را تأمین نماید، به دستور مرجع قضایی بازداشت می گردید.

نکته قابل توجه در تبصره ماده ۱۲۹ ق.آ.د.ک سابق آن است، که قانونگذار با ذکر عبارت

«... هر گاه بزه قاچاق با شرکت چند نفر واقع شده باشد...»، شرکاء جرم را مورد توجه قرار داده لیکن به معاونین جرم اشاره نکرده و تکلیف اخذ تأمین از معاونین را صراحتاً روشن ننموده بود، اگر چه می توان گفت: با استفاده از وحدت ملاک، معنای معاون جرم را نیز در کلمه شرکت در تقدیر گرفته و چنین استدلال نمود که متقاضی عبارت «هر گاه بزه قاچاق با شرکت چند نفر واقع شده باشد...» معاون جرم نیز هست که عمل او به هر حال نوعی شرکت در جرم به معنای عام است.

^۱ - جزوه سازمان و وظایف گمرک منتشره از دفتر تشکیلات و بودجه گمرک، ۱۳۹۶، ص ۵.

به نظر می رسد در خصوص قاچاقچیان اشیاء عتیقه و اخذ تأمین مناسب از آنها با توجه به اینکه به موجب قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ مجازات سنگین اعدام و حبس ابد برای قاچاقچیان میراث فرهنگی و اشیاء عتیقه پیش بینی گردیده و از طرفی با استفاده از روح حاکم بر قوانین و مقررات موضوعه کیفری در باب اخذ تأمین از متهمان و همچنین اصول کلی حاکم بر حقوق جزایی و خصوصاً مفاد ماده ۱۳۲ مراجع قضایی حق داشته باشند در برخورد با مواردی که قاچاقچیان اشیاء عتیقه از طریق تشکیل باند، مبادرت به خارج نمودن میراث فرهنگی کشور در سطح عمده و یا اشیاء عتیقه ذی قیمت از کشور نمایند، به منظور جلوگیری از فرار این مجرمان قرار بازداشت موقت درباره آنها صادر نمایند.

هر گاه قاضی بخواهد قرار مالی برای متهم تعیین نماید و نداند حجم تخلف متهم و ما به ازاء ریالی آن چقدر است، کارشناس باید به کمک قاضی رفته و با تعیین مبلغی به عنوان ارزش اشیاء مکشوفه حدود برقراری را که قاضی می تواند تعیین نماید برایش مشخص کند. واضح بوده که قیمت گذاری بالا بایستی بر حسب خواسته مقام قضایی و دستور کتبی قاضی انجام شود، در غیر این صورت، یک کارشناس عقلاً و منطقاً مجاز به قیمت گذاری نیست.^۱

۲- دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی به جرم قاچاق اموال تاریخی- فرهنگی

طبق ماده واحده قانون حدود صلاحیت دادرسی دادگاههای انقلاب مصوب ۱۳۶۲/۲/۱۱ و تبصره ۶ از قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب سال ۷۳، رسیدگی به جرم قاچاق اشیاء عتیقه در صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی می باشد.

این دادگاه از نوع دادگاههای کیفری اختصاصی بوده که بر عکس دادگاههای کیفری عمومی، صلاحیت رسیدگی به هیچ جرمی را نداشته، مگر آنچه را که قانون صریحاً اجازه داده است.

دادگاههای اختصاصی مانند دادگاه انقلاب را نباید با دادگاههای تخصصی اشتباه کرد. دادگاههای تخصصی در واقع شعبی از دادگاههای کیفری عمومی هستند که بر حسب مورد و تقسیم کار، به نوع معینی از جرایم رسیدگی می کنند.

البته ذکر این نکته، اینجا ضروری است که اگر چه تشکیل دادگاههای تخصصی، از پیشنهادات مهم علم جرم شناسی بوده و تقریباً مورد تأکید اکثریت قریب به اتفاق علمای حقوق جزایی نیز می باشد و از روشهای پسندیده و منطقی دادرسی کیفری به شمار می آید، در عوض، دادگاههای اختصاصی نه فقط طرفداران زیادی ندارد، بلکه اغلب علمای حقوق جزایی و جرم شناسان نسبت به دادگاههای مذکور بابدبینی می نگرند و وجود انی نوع محاکم را وسیله ای برای اعمال نفوذ قوه مجریه در قوه قضائیه دانسته و اصرار دارند که از تشکیل این نوع دادگاههای اختصاصی جلوگیری بعمل آید.

دادگاههای انقلاب بعد از پیروزی انقلاب در نقاط مختلف کشور تشکیل گردید و در مورخه ۲۳ خرداد ماه ۱۳۵۸، شورای انقلاب، آئین نامه دادگاهها و دادرسیهای انقلاب اسلامی را مشتمل بر ۲۴ ماده و ۲ تبصره تصویب کرد.

طبق آئین نامه مذکور، قبلاً هر دادگاه انقلاب، مرکب از ۳ نفر عضو اصلی و ۲ نفر عضو علی البدل بوده و احکام این دادگاهها قطعی و غیر قابل تجدید نظر بوده و مجازاتهایی که تعیین می شد، اعدام حبس تبعید و ضبط اموال بود.

در سال ۱۳۶۲ با لحاظ نظریه شورای نگهبان مبنی بر غیر مشروع بودن دادرسی های دسته جمعی، روش تعدد قاضی در دادگاههای انقلاب از بین رفت و در هر حال حاضر، دادگاه انقلاب اسلامی با یک نفر حاکم شروع یا قاضی تشکیل می شود. از آنجایی که جرم قاچاق اموال تاریخی- فرهنگی جنبه فراملی دارد، اگر یک ایرانی در خارج از ایران مرتکب جرم مزبور شده و در همانجا دستگیر شود، دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم مزبور، دادگاه انقلاب است.

۳- انواع مجازات های مرتکبین بزه قاچاق

الف) مجازات های بدنی و سالب آزادی:

از جمله مجازات های مقرر برای بزه قاچاق اموال تاریخی- فرهنگی، مجازات اعدام، زندان و شلاق می باشد؛ قانونگذار در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ پیرامون جرم قاچاق اموال تاریخی- فرهنگی از مجازات اعدام ذکری به میان نیاورده اما در ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، برای مرتکبین جرایم مزبور، مجازات اعدام را پیش بینی نموده بود.

همچنین در ماده ۳ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۲۶ چنین مقرر داشته: «هر گاه یک یا چند نفر جنس یا نقودی را که صدور یا ورود آن ممنوع یا در انحصار دولت یا موقوف به اجازه دولت است، مسلحانه قاچاق کنند

^۱-نحوه کارشناسی اموال فرهنگی، دستور العمل کارشناسی کارشناسان اموال تاریخی- فرهنگی سازمان میراث فرهنگی کشور، مورخ ۱۳۷۶/۴/۲۴

به حبس دائم یا اعدام محکوم می شوند و اگر مقاومت ننمایند، به حبس جنایی درجه یک از سه تا ده سال محکوم می شوند.» در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ برای جرم قاچاق اموال تاریخی-فرهنگی، مجازات شلاق در نظر گرفته نشده اما در ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مقرر شده بود: «.....دادگاه می تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انتظار عمومی محکوم نماید.»

به طور کلی، یکی از مجازات هایی که برای بزه قاچاق اموال تاریخی و فرهنگی تعیین شده، کیفر حبس می باشد؛ براساس ماده ۵۶۱ ق.م.ا: «هر گونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی-فرهنگی از کشور... به حبس از یک تا سه سال» همینطور طبق تبصره ۲ ماده ۵۶۲ ق.م.ا: «خرید و فروش اموال تاریخی-فرهنگی ... به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود...»

۱- اعدام: سنگین ترین و شدیدترین مجازاتی که بر مرتکبین جرایم مزبور تحمیل می گردد، مجازات اعدام است. ماده ۲ ق.م.ا. اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ ناظر به ماده یک همان قانون مقرر می دارد: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱، چنانچه به قصد ضربه به نظام ج.ا.ا. و یا به قصد مقابله با آن و یا علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام و.....» همان گونه که ملاحظه می گردد، تحمیل مجازات اعدام بر قاچاقچی اشیاء عتیقه منوط و موکول به تحقیق ۲ شرط اساسی بوده:

الف) قاچاق اشیاء عتیقه باید به قصد مقابله و ضربه زدن به نظام ج.ا.ا. و یا علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام باشد.

ب) این اقدام در جهت مقابله با نظام، در حد افساد فی الارض باشد.

به نظر می رسد، مجازات اعدام برای مرتکبین جرایم مزبور غیر عادلانه می باشد، زیرا در اکثر موارد، اشیاء موضوع قاچاق، به مرتکبین این عمل مجرمانه تعلق دارد که به جهت تحصیل مشروع آنها، حتی نگهداری آنها در داخل کشور، از نظر قوانین جزایی جرم تلقی نمی شود. ممکن است در پاسخ گفته شود که این مجازات در واقع به خاطر اثبات افساد فی الارض قاچاقچی، بر او تحمیل می گردد، نه صرف قاچاق اشیاء عتیقه که اتفاقاً متن قانون نیز به این مسأله اشاره دارد؛ لیکن مقنن ایران باید توجه نماید که علت استفاده از زندان به عنوان مجازات اصلی از طرف غالب نظام های جزایی، به خاطر واکنش مردم اروپا نسبت به مجازات های بی رحمانه و غیر انسانی اعدام بوده است.

۲- حبس: دومین نوع مجازاتی که قانونگذار برای مرتکبین قاچاق اشیاء عتیقه در نظر گرفته است، مجازات زندان بوده که به نوبه خود مجازات سنگینی محسوب می گردد. به موجب ماده ۲ ق.م.ا. مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام ج.ا.ا. و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله در نظام مزبور چنانچه در حد افساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می شود.....»

تبصره ۱: «مواردی که اخلاص موضوع هر یک از موارد مذکور در بند های ششگانه ماده یک حسب مورد، عمده یا کلان یا فراوان نباشد، مرتکب به ۲ تا ۵ سال حبس و ضبط کلیه اموالی که از طریق تخلف قانونی به دست آمده باشد، به عنوان جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

زندان که امروزه، معمول ترین وسیله مجازات بوده، از دیر باز مورد استفاده بشر بوده است اما استفاده از زندان به معنی امروزی آن یعنی به عنوان مجازات اصلی، با شرایط و مدت معین و همین طور بعضاً به منظور اصلاح حال مجرمین، بکار برده می شود. به علاوه هدف از مجازات زندان برخلاف گذشته که بیشتر انتقام جویی و سلب آزادی مجرمین بود، دگرگون گردیده و سعی می شود تا در طول مدت زندان، شخص مجرم اصلاح شده و با فراگیری حرفه ای مشروع و تحصیل توانایی عاطفی بیشتر در برخورد اجتماعی و زندگی در شرایط عادی حیات اجتماعی، بتواند بدون آنکه نیازی به بزهکاری داشته باشد، احتیاجات خود را تأمین کند؛ لذا با توجه به سنگینی مجازات های حبس پیش بینی شده در این قانون، به قضاوت محاکم توصیه می گردد، تا در تعیین میزان مجازات حبس حفران غیر مجاز و قاچاقچیان اشیاء عتیقه، علاوه بر توجه به نوع و میزان فعالیت و همکاری هر یک از آنها در این جرم، در سوابق اجتماعی و روانی آنها نیز نهایت دقت را مبذول فرمایند.

ب) مجازات های مالی:

که شامل جریمه نقدی و ضبط و استرداد اموال می باشد؛ یکی از مجازات های مقرر برای بزه قاچاق اموال تاریخی-فرهنگی، جریمه نقدی است زیرا طبق ماده ۵۶۱ ق.م.ا: «هر گونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی-فرهنگی از کشور... پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می گردد». برای تعیین جریمه باید قیمت اموال موضوع قاچاق مشخص گردد تا مرتکب معادل دو برابر قیمت آنرا بپردازد؛ بنابراین هر گاه اشیاء عتیقه به عنوان «مال موضوع قاچاق» تلقی شود، لازم است که کارشناس میراث فرهنگی قیمت آنرا تعیین نماید تا بر مبنای آن، جریمه مالی قاچاق محاسبه و از قاچاقچی اخذ شود. یکی دیگر از مجازات های مقرر برای بزه قاچاق اموال تاریخی، فرهنگی، ضبط و استرداد اموال بوده؛ زیرا به موجب ماده ۵۶۱ ق.م.ا: «هر گونه اقدام به خارج کردن اموال از کشور..... به استرداد اموال محکوم می گردد.» همچنین طبق قانون راجع به جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسایل نقلیه موتوری و دریایی مصوب ۱۳۳۶: «هر

گاه قاچاق به وسیله وسایل نقلیه موتوری و غیر آن صورت بگیرد، دادگاه در صورت ثبوت جرم علاوه بر محکومیت مرتکب قاچاق حکم به ضبط وسیله نقلیه به نفع دولت صادر خواهد کرد و چنانچه وسائط نقلیه متعلق به مرتکب نباشد، حکم به ضبط از طرف دادگاه موقوف به این است که مالک با علم استفاده آن به منظور ارتکاب قاچاق وسیله در اختیار مرتکب قاچاق گذارده باشد»

به موجب بند ۱ ماده واحده لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاری های غیر مجاز مصوب ۱۳۵۸/۲/۲۷: «انجام هر گونه حفاری و کاوش به قصد به دست آوردن اشیای عتیقه و آثار تاریخی مطلقاً ممنوع بوده و مرتکب به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال، ضبط اشیای مکشوفه و آلات و ادوات حفاری به نفع بیت المال محکوم می شود.

چنانچه حفاری در اماکن تاریخی که به ثبت آثار ملی رسیده باشد، انجام می گیرد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می شود»، البته ماده ۵۶۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیز احکام مشابهی را در این خصوص مقرر داشته است.

به موجب قسمت اخیر ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور: «...و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی، به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد.» یعنی، چه عمل ارتكابی قاچاقچیان اشیاء عتیقه در حد افساد فی الارض باشد و چه در این حد نباشد، کلیه اموال آنها که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد، ضبط خواهد شد.

همچنین قسمت اخیر تبصره یک ماده ۲ مذکور مقرر می دارد: «...و ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانونی به دست آمده باشد به عنوان جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

در تبصره ۳ همین ماده مقرر داشته: «... مجازات شروع به جرم موضوع قسمت اخیر این ماده، ۶ ماه تا ۲ سال حبس و دویست و پنجاه هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی و مجازات شروع به جرم موضوع تبصره یک این ماده، شش ماه تا یکسال و نیم حبس و دویست هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی است.»

در خصوص نحوه احتساب بهای مال موضوع قاچاق که از بین رفته، ماده ۵۱ ق. مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲، تکلیف را روشن کرده و به موجب آن: «ملاک تعیین قیمت در مورد مال از بین رفته، بهای عمده فروشی در نزدیکترین بازار داخلی بوده و در مورد کالاهای ممنوع الورد، بهای سیف^۱ کالا اضافه به اضافه حقوق، عوارض گمرکی و سود بازرگانی خواهد بود.»

بنابراین، اگر موضوع قاچاق از بین رفت، از نوع کالای مجاز و مجاز مشروط باشد، بهاء مال از بین رفته عبارت است از قیمت عمده فروشی در نزدیکترین بازار داخلی، همچنین فرمولی برای قیمت عمده فروشی در ماده ۱۱ قانون امور گمرکی داده شده است که عبارت بوده از:

قیمت عمده فروشی = ۱۵٪ سود عادلانه + حقوق گمرکی و سود بازرگانی و سایر هزینه ها + ارزش سیف کالا

به هر حال اگر قیمت عمده فروشی، بدست نیامده، قیمت خرده فروش، منهای ۲۰٪ آن ملاک خواهد بود و چنانچه مال از بین رفته از نوع کالاهای ممنوع الورد یا غیر مجاز باشد، مبنای محاسبه ارزش سیف کالا + حقوق گمرکی و عوارض و سود بازرگانی خواهد بود؛ در مورد کالاهای صادراتی نیز ارزش طبقه رویه هایی که گمرک به موجب نظامنامه های ویژه دارد، تعیین می گردد. چنانچه کالای موضوع قاچاق از نوع مجاز و مجاز مشروط باشد، جریمه متعلقه به استناد ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق عبارت خواهد بود از ۲ برابر در آمدی که برای دولت در مورد این کالا مقرر بوده است؛ البته باید توجه داشت که کالای مجاز مشروط از نظر گمرک در حکم کالای مجاز می باشد.

ج مجازات های تبعی و بازدارنده:

قانونگذار در قانون تعزیرات ۱۳۵۷، در مورد بزه قاچاق اشیاء تاریخی، مجازات تبعی و بازدارنده در نظر نگرفته است، اما در تبصره ۴ ماده ۲ ق. مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور آورده است: «مرتکبین جرایم موضوع این ماده و تبصره های ۱ تا ۳ ان کلیه شرکاء و معاونین هر یک از جرایم مزبور علاوه بر مجازات های مقرر، حسب مورد به محرومیت از هر گونه خدمات، دولتی یا انفصالی ابد از آنها محکوم خواهند شد.» همچنین به موجب ماده ۳۰ ق. امور گمرکی: «اشخاصی که مرتکب قاچاق شوند، اگر دارای کارت بازرگانی باشند، در صورت محکومیت، علاوه بر مجازات های مربوط، از عضویت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و یا شعب آن در شهرستانها به طور موقت یا دائم محروم شده و کارت بازرگانی آنان نیز باطل خواهد شد و...» چون جرایم علیه میراث فرهنگی، از جرایمی بوده که مجازات آن از نوع بازدارنده است، مرور زمان از پذیرفته شده؛ چرا که میزان مجازات های تعیین شده در قانون مجازات اسلامی در خصوص جرایم علیه میراث فرهنگی، در حیطه موارد موجود در بندهای سه گانه ماده ۱۷۳ می گنجد، لذا مرور زمان در آنها پذیرفته می شود.

^۱ - سیف «CIF» مجموعه حروف اول کلمات Cost یعنی قیمت و insurance یعنی حق بیمه و Freight یعنی هزینه حمل می باشد، بنابراین بهاء سیف هر کالا، مجموعه سه عامل مذکور است.

با در نظر گرفتن ماده ۷۲۷ ق.م.ا. که در مقام احصاء جرایم قابل گذشت می باشد، باید گفت: این ماده مفهوم جرایم قابل گذشت را مخدوش نموده به نحوی که می توان گفت: ماده فوق الذکر با ضوابط فقهی و شرعی مغایر است، چون حق الناس قابل گذشت می باشد در حالی که برخی جرایم مذکور در ماده ۷۲۷، از جمله جرایم موضوع مواد ۵۵۸، تا ۵۶۶، تعدی به حقوق عمومی را مطرح نموده است. لذا به نظر می رسد، اطلاع ماده ۷۲۷ ضروری بوده؛ ایرادات وارده به ماده مزبور به طور خلاصه عبارتند از:

۱- تدوین ماده مزبور به این نحوه که جایگزین ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات سابق می باشد، موجب این برداشت شده که این جرایم حق الناس و قابل گذشت می باشند.

۲- تعقیب جرایم مذکور را منوط به شکایت شاکی خصوصی نموده، حال آنکه برخی از این جرایم به صورتی ساده تر در سایر موارد همین قانون وجود دارند که تعقیب جرم در آنها با عنایت به ماده مذکور، منوط به شکایت شاکی خصوصی نیست.

شلاق: نوعی مجازات که مقنن برای مرتکبین قاچاق اشیاء عتیقه مقرر نموده، مجازات شلاق یا تازیانه است؛ به موجب قسمت اخیر ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور، مقرر شده است: «... دادگاه علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را می تواند به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق درانظار عمومی محکوم نماید.»

محرومیت از خدمات دولتی: به موجب تبصره ۴ ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور: «مرتکبین جرائم موضوع این ماده تبصره های ۱ تا ۳ آن و کلیه شرکاء و معاونین هر یک از جرائم مزبور علاوه بر مجازات های مقرر، حسب مورد به محرومیت از هر گونه خدماتی دولتی یا انفصال ابد از آنها محکوم خواهند شد.» باید اذعان داشت که نباید این مجازات یعنی محرومیت از خدمات دولتی یا انفصال ابد از آنها با مجازات های تبعی و تکمیلی مترادف و یکی دانست، زیرا این مجازات با توجه به نحوه استعمال آن در قانون مجازات اصلی پیش بینی نموده است و لذا آثار یک مجازات اصلی را خواهد داشت. در حالی که مجازات های تبعی و تکمیلی، به عنوان مجازات اضافی تلقی می گردند که بر حسب نوع جرم ارتكابی و درجه اهمیت یک عمل مجرمانه از طرف قانونگذار برای مرتکب جرم پیش بینی و تعیین نموده است؛ بدیهی است که اگر این مجازات اضافی به طور خود به خود به تبع مجازات اصلی نسبت به محکوم تحمیل گردد، در آن صورت آنرا مجازات تبعی می نامند و اگر چنانچه اجرای این مجازات اضافی موکول به آن باشد که در حکم دادگاه قید گردد، در آن صورت از آن به عنوان مجازات تکمیلی نام می برند.

پاسخ غیر کیفری در قبال حفاری غیر مجاز و قاچاق اموال تاریخی-فرهنگی

الف) مستند سازی آثار فرهنگی: حفظ اموال فرهنگی، یکی از وظایف اصلی ما در عصر حاضر بوده، زیرا آنچه که اجدادمان طی قرون و هزاره ها خلق کرده و تکامل بخشیده اند، آینده ما را پایه ریزی می کند؛ از آنجایی که خطر های بزرگ و گوناگون، میراث متمرکز کنیم، متأسفانه آثار هنری و صنایع دستی به جامانده از زندگی مذهبی، نسخ ارزشمند خطی، کالاهای مورد استفاده روزانه، بناها و تأسیسات فنی در طول تاریخ به ندرت مرمت شده و تعمیر آنها هنگامی صورت گرفته است که این آثار در معرض خطر اضمحلال کامل بوده اند.

«باستان شناسان باید از طریق مستند سازی آثار خود را جاودانه کنند که خود دو نوع است:

گزارش کامل با عکسهای فراوان که به سازمان تحویل می شود و دیگر ایجاد تسهیلات برای باستان شناسان، باید بودجه ای برای انتشارات، کنار گذاشته شود.»^۱

امروزه در سراسر جهان، اقداماتی جهان به منظور حفاظت اموال فرهنگی که دارای اهمیت ملی و بین المللی بوده، انجام می شود. به این منظور در بسیاری از کشورهای پیشرفته، شکلی از ثبت این اموال اختیار شده است مثلاً در آسیا، ژاپن اولین کشوری است که یک نظام مستند سازی را به منظور ثبت کلیه اموال با ارزش فرهنگی در مجموعه های خصوصی و عمومی و آنچه نزد دلالت این گونه اموال است ایجاد نمود.^۲

مستند سازی اشیاء موزه ای برای ایجاد یک سیستم دائمی و مطمئن برای تشخیص هویت اشیاء، بی نهایت ضروری است. ضرورت این، از آن رو که کمک مؤثری به مطالعه فعالیت های بشر در گذشته می کند و ارزیابی شکل فرهنگ یک نژاد خاص یا ملت را در هر یک از مراحل تاریخ آن میسر می سازد، بیشتر می شود.

جدا از تشدید ایمنی به منظور تضمین حداکثر حفاظت اشیاء موزه ای در برابر سرقت های کوچک و بزرگ ویا گذران اشیاء بدلی به جای اصلی لازم است، روشهای مفصلی در سیستم مستند سازی موزه به کار گرفته شود. تدوین فهرست موزه ها از طریق توصیف مفصل کلیه اشیاء و تهیه عکس آنها می تواند کمک زیادی در ردیابی یک شیئی عتیقه سرقت شده در داخل و خارج کشور بکند. تهیه این گونه

^۱ نشریه تخصصی باستان شناسی «آوای باستان» گفتگو با دکتر مجید زاده، باستان شناس ایرانی مقیم فرانسه، اردیبهشت ۸۲، چاپ اول شماره دوم، ص ۱۲.

^۲ کمال، سوارنا، مستند سازی آثار هنری، ترجمه: مهرداد وحدتی، شهریور ۱۳۶۳، ص ۴۷.

فهرست ها به هر کشور این امکان را می دهد که طبق موافقتنامه یونسکو که ورود و خروج وانتقال مالکیت اموال فرهنگی را به صورت غیر قانونی منع کرده، این گونه اموال خود را باز پس گیرند؛ این کار در دراز مدت موجب کاهش سرقت، قاچاق و اعمال وحشیانه نسبت به آنها می شود.

ب) گامردن نگهبان و ایست و بازرسی در مناطق مربوطه

۱- بکارگیری تکنولوژی روز در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی، مانند کنترل تصویری و الکترونیکی مکان های تحت حفاظت.
 ۲- تخصیص ردیف بودجه خاص برای حفاظت از میراث فرهنگی و آموزش کار در حفاظت و آشنایی آنها با مسایل میراث فرهنگی و آمادگی آنها در برخورد با تجاوزگران و اخلاص گران در حوزه میراث فرهنگی.
 ۲- تأسیس پایگاه های حفاظت از میراث فرهنگی و بازرسی های مستمر، دوره ای و ایجاد ایست بازرسی در مناطق مربوطه و مسیر های رفت و آمد به مکان های تاریخی و فرهنگی.

ج) احداث موزه و نگهداری اشیاء تاریخی و فرهنگی در این اماکن

برای حفاظت کلیه اموال فرهنگی، قانونگذاری مناسب لازم است و تشکیل موزه های ملی، برای گردآوری، حفاظت و نمایش اشیاء منقول، گامی مهم محسوب می گردد؛ این موزه ها باید دارای کارکنان و بودجه کافی باشند تا بتوانند به هدف خود در زمینه حفاظت اشیاء نایل آمده و برنامه ها، تحقیقات، نمایش و انتشارات خود را به مورد اجرا بگذارند.
 ۲- واکنش کیفی ناظر بر جرایم آثار تاریخی و فرهنگی

اقسام مجازات ها

جامعه در مقابل جرایم به وسیله مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی از خود واکنش نشان می دهد. حقوقدانان، مجازات ها را از جهات مختلف و گوناگون تقسیم بندی کرده اند چنانچه از حیث وخامت و شدت نسبی به مجازات های جنایی، جنحه ای و خلاف ای و از نظر موضوعی که مجازات به آنها لطمه می زند به مجازات های بدنی، سالب آزادی، محدود کننده آزادی، سلب حق و مجازات های مالی و از نظر ارتباط آنها با یکدیگر به مجازات های اصلی، تکمیلی و تبعی تقسیم بندی نموده اند.

مجازات اصلی

جامعه در قبال جرایم بوسیله اهرم مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی از خود واکنش نشان می دهد. مجازات هایی که برای اعمال مجرمانه در قوانین جزایی پیش بینی شده اند مجازات های اصلی نامیده می شوند.^۱ مجازات های اصلی جرایم علیه میراث فرهنگی از نظر موضوعی که مجازات به آنها لطمه می زند به مجازات های بدنی، سالب آزادی، مالی تقسیم می گردد. مجازات های اصلی، در حقوق کلیه جوامع از جمله حقوق ایران، ابزار اساسی واکنش کیفی است که ممکن است به تنهایی یا همراه با مجازات های تکمیلی یا تتمیمی مورد حکم قرار می گیرد. « چنانچه قانون گذار برای یک جرم، یک مجازات اصلی تعیین نموده باشد، دادگاه پس از احراز وقوع جرم و انتساب آن به متهم، بزهکار را به مجازات اصلی محکوم می نماید. در صورت پیش بینی مجازات های اصلی متعدد، دادگاه مکلف است همه مجازات ها را اعمال نماید یا اختیار دارد یک یا چند از مجازات ها را انتخاب و مورد حکم قرار دهد.»^۲

مجازات اصلی: برای جرم امتناع از تحویل اشیاء مشکوفه تصادفی، ضبط اشیاء مشکوفه بعنوان مجازات اصلی در نظر گرفته شده است. ضمانت اجرای مذکور در تبصره ۱ ماده ۵۶۲ ق.م.ا برای بازداشتن افراد از نگه داشتن اموال تحصیلی تصادفی، کافی به نظر نمی رسد.^۳ البته با دقت در این ماده ملاحظه می شود که مقنن در حقیقت هیچگونه مجازاتی را برای این قبیل افراد در نظر نگرفته است. حکم ضبط اموال مشکوفه نیز با توجه به اینکه اینگونه اموال متعلق به مرتکب نمی باشد نمی تواند به عنوان مجازاتی برای آن فرد تلقی شود.

مجازات تکمیلی

مجازات تتمیمی «به مجازات هایی گفته می شود که به مجازات اصلی افزوده می شوند و علاوه بر اینکه باید در دادنامه ذکر گردند هیچ گاه به تنهایی مورد حکم قرار نمی گیرند زیرا مجازات های مذکور باید مجازات اصلی را تکمیل کنند.»^۴ «مجازات تتمیمی با مجازات های اختیاری تطبیق دارد.»^۵

صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴.
 گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۶، ص ۳۴۱.
 میر محمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، پیشین، ص ۲۱۱.
 اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۹۶، ص ۱۵۵.
 باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۴، ص ۳۷۹.

قانون سابق درباره مجازات های تکمیلی بسیار کلی بود یعنی براساس ماده ۱۹ این قانون، «دادگاه می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است، به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور کند.» قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، مجازات های تکمیلی را در فصل دوم از بخش دوم، ذیل ماده ۲۳ به شرح زیر آورده است: «دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی زیر محکوم نماید:

الف- اقامت اجباری در محل معین

ب- منع از اقامت در محل یا محل های معین

پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین

ت- انفصال از دما ت دولتی و عمومی

ث- منع از رانندگی با وسیله نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری

ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي

چ- منع از حمل سلاح

ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور

خ- اخراج بیگانگان از کشور

د- الزام به خدمات عمومی

ذ- منع از عضویت در احزاب، گروهها و دستجات سیاسی یا اجتماعی

ر- توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتكاب جرم

ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین

ژ- الزام به تحصیل

س- انتشار حکم محکومیت قطعی

تبصره ۱- مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

تبصره ۲- چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می گیرد.

تبصره ۳- آیین نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات تکمیلی ظرف شش ماه از تاریخ لازم اجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

ماده ۲۳ قانون جدید نسبت به قوانین سابق از شفافیت بیشتری برخوردار است و این امر از تحولات قانون محسوب می شود. قانون گذار ر قانون جدید برای نخستین بار به صراحت از عنوان «مجازات های تکمیلی» استفاده کرده و از ابهام موجود در قوانین قبلی نسبت به ماهیت این قبیل مجازات ها، رهانیده است. به بیان دیگر، اینکه آیا این مجازات ها ماهیتا اقدامات تأمینی هستند یا مجازات محسوب می شوند، در قانون جدید تبیین شده است. گرچه به نظر می رسد با توجه به مصادیقی که به عنوان مجازات تکمیلی در نظر گرفته شده اند، ماهیت مجازات های تکمیلی را به اقدامات تأمینی نزدیک تر سازد. زیرا بیشتر مصادیق مجازات های تکمیلی، در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ به عنوان اقدام تأمینی ذکر شده بودند و هدفی جز اصلاح مجرم و جلوگیری از تکرار جرم نداشتند. در قانون جدید، علاوه بر متن ماده ۲۳ و بندهای آنکه توه به شخصیت مجرم و اهداف اصلاح و بازپروری مجرم در نظر گرفته شده است، می توان به ماده ۲۴ قانون نیز اشاره کرد. به موجب این ماده، در صورتی که اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم توسط دادگاه احراز گردد، می تواند با پیشنهاد قاضی مجری حکم، البته در صورتی که نیمی از محکومیت را گذرانده باشد، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات های تکمیلی اقدام کند.

مجازات تبعی

مقصود از مجازات تبعی، کیفری است که علاوه بر مجازات جرم اصلی، خود به خود و بدون ذکر حکم دادگاه به موجب قانون بر محکومیت بار می گردد.^۱ به عبارت دیگر بعضی از مجازات های اصلی از نظر مقنن دارای آنچنان ویژگی هایی می باشند که مجازات های خاص دیگری را تبعاً به همراه خود دارند. از جمله مصادیق مجازات تبعی، محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۲ می باشد.

ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۲ نیز درباره مجازات های تبعی می گوید: محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده، محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می کند. مجازات تبعی در قانون سابق مجازات اسلامی چندان مشخص نشده بود البته در ماده ۲۰ قانون سابق حکم آن آمده بود اما وضوح چندان نداشت. همچنین در ماده ۲۵ مواردی پیش بینی شده است که براساس آن فرد به طور تبعی از حقوق اجتماعی محروم می شود همچنین حقوق اجتماعی در ماده ۲۶ بیان شده است که مصادیق آن مواردی مانند دواطلب شدن در انتخابات های مختلف مثل ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، شوراها، شورای اسلامی شهر و روستا، عضویت در بعضی مراجع مانند شورای نگهبان و جمع تشخیص مصلحت نظام، هیات دولت، تصدی ریاست قوه قضاییه، دادستان کل، رییس دیوان عالی کشور و دیوان عدالت است. همچنین ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی جدید موارد دیگری را برشمرده است مانند استفاده از نشان های دولتی، انتخاب به عنوان داوری، قیام، امین و وکیل دادگستری و اشتغال در دستگاه های دولتی. همه این مصادیق از جمله مواردی است که تحت عنوان محرومیت از حقوق اجتماعی مطرح شده است. براساس تبصره دو از ماده ۲۵ نیز هر کس که به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محکوم شود، پس از گذشت مواعیدی که در قانون آمده و ماده ۲۵ به آن اشاره کرده است، آثار تبعی جرم از بین می رود و مانند فردی است که دیگر محکومیتی ندارد. در حقیقت با اینکه قانون جدید مجازات اسلامی درباره مجازات های تکمیلی و تبعی توضیحات بیشتری نسبت به قانون سابق داده ولی طبیعی است که قانون گذار بشری نقایص و ایرادهایی دارد زیرا کسانی که قوانین را تدوین می کنند، افرادی با دیدگاه های متفاوت هستند. مجازات اصلی: مطابق ماده ۵۶۳ ق.م.ا مرتکب این جرم مستحق مجازات حبس از شش ماه تا دو سال می شود. مجازات تبعی: با توجه به اینکه میزان جرم تجاوز به آثار غیر منقول تاریخی- فرهنگی، حداکثر دو سال می باشد در نتیجه نمی توان مرتکب چنین جرمی را مستحق مجازات تبعی مذکور در ماده ۲۵ ق.م.ا دانست. مجازات تکمیلی: برابر ماده ۲۳ ق.م.ا دادگاه می تواند مرتکبین چنین جرمی را مدتی از حقوق اجتماعی محروم نماید و یا به اقامت در نقطه ای معین مجبور نماید و یا از اقامت در نقطه ای معینی محروم نماید.

نقاط ضعف و خلاء های مبارزه با قاچاق اموال فرهنگی

مقصود از نقاط ضعف و خلاء های قانونی خارجی عوامل بین المللی در وقوع قاچاق اموال فرهنگی-تاریخی است. این دسته مشکلات در خارج از مرزهای کشور وجود دارند که تاثیرات آنها باعث وقوع یا تشدید روند حفاری های غیر مجاز و قاچاق اموال فرهنگی می شود از جمله آنها عبارتند از:

- وجود بازارهای مشتاق آثار تاریخی ایران و بعضاً راه یابی آسان عوامل مستقیم و غیر مستقیم باند های قاچاق در کشور.
- وجود موزه ها و کلکسیون های خصوصی در جهان که خریدار آثار کهن شرق از جمله ایران هستند.
- تاثیر تحولات سیاسی و امنیتی در منطقه که می تواند افزایش دهنده آمار سرقت و قاچاق اموال فرهنگی شود.
- نبود سیستم اطلاع رسانی جامع در خصوص خرید و فروش اموال تاریخی ایرانی در حراجی های بین المللی و بازارهای مکاره.
- هزینه های بالا برای طرح دعوی حقوقی استرداد اموال تاریخی و فرهنگی در کشورهای مقصد.
- عدم ضمانت اجرای کافی کنوانسیون های بین المللی موجود در خصوص استرداد اموال تاریخی و فرهنگی. بدین نحو که کنوانسیون های موجود در حد توصیه نامه هایی هستند که تعهد به اجرای آنها فقط برای کشورهای عضو می باشد و از ضمانت اجرایی چندان برخوردار نمی باشند.
- حوزه و چگونگی فعالیت کمیته استرداد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در خارج از کشور بطور کامل شناخته شده نمی باشد.

برای جلوگیری از قاچاق اشیای عتیقه بهترین راه حل ممکن تشدید مجازات است و قوانین فعلی متناسب با جرم این افراد نیست. در قانون فعلی ما مواد ۵۵۸ تا ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی به تخریب آثار تاریخی، سرقت اشیای تاریخی، مداخله در عملیات بازسازی این اشیاء، ایجاد تنزل بنیان و ایجاد آسیب در این اشیاء، قاچاق انواع اشیای تاریخی و حفاری های غیرمجاز اختصاص دارد. طبق ماده ۵۶۱ که به قاچاق اشیای تاریخی پرداخته است قاچاقچیان اشیای عتیقه به یک تا ۳ سال حبس و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال قاچاق محکوم می شوند که این قوانین با مقایسه با قوانین سابق ما شدت لازم را ندارد و صرفنظر از مجازات هایی که در نظر گرفته شده است باید قانونگذار به تشدید مجازات ها بپردازد.

آثار صنعتی اقوامی که تا پایان عصر زنده در خاک ایران زیسته اند با توجه به نظام نامه ۲۸ آبان ماه سال ۱۳۱۱ تحت عنوان آثار تاریخی و ملی محسوب می شوند طبق قانون این اموال هرگز نباید مورد استفاده قرار بگیرد چرا که از حیث تاریخی و صنعتی نادر و گرانبها محسوب می شوند بپردازد تا بتواند تا حدودی از رشد اینگونه جرائم جلوگیری کند، چرا که اینگونه جرائم ریشه در اقتصاد دارد.

مجازات تعیین شده برای این دسته از مجرمان متناسب با جرم آنها نیست چرا که این اشیاء بخشی از هویت ملی و تاریخی ماست. به عنوان مثال اخیرا با مشکل جیرفت و قاچاق اشیای آن مواجه بودیم که برخورد مناسبی با این امر نشد و این موضوع به یک ارگان سازمان یافته زیر نظر سازمان میراث فرهنگی برای محافظت از این اشیاء نیاز دارد تا از حفر و کاوش‌های غیر مجاز و قاچاق این اشیاء جلوگیری کنیم. در سطح بین‌المللی کنوانسیون در رابطه با ممنوعیت ورود و خروج اموال تاریخی در جهان وجود دارد که ما در سال ۵۳ به آن ملحق شدیم و در صورتی که این اشیاء از کشور ما خارج و به یکی از کشورهای عضو کنوانسیون قاچاق شود در صورت کشف باید به ایران بازگردانده شود. از سویی اگر چه ما قانونی در خصوص ممنوع بودن ورود اشیای تاریخی نداریم؛ اما به خاطر عضویت در این کنوانسیون ملزم به رعایت قوانین آن هستیم.

آثار صنعتی اقوامی که تا پایان عصر زنده در خاک ایران زیسته اند با توجه به نظام نامه ۲۸ آبان ماه سال ۱۳۱۱ تحت عنوان آثار تاریخی و ملی محسوب می‌شوند طبق قانون این اموال هرگز نباید مورد استفاده قرار بگیرد چرا که از حیث تاریخی و صنعتی نادر و گرانبها محسوب می‌شوند.

دولت با برنامه‌ریزی‌های درست خود باید علاوه بر جلوگیری از خروج این اموال از مرزهای آبی، خاکی و هوایی با کمک سازمان میراث فرهنگی و با استفاده از باستان شناسان و متخصصان این امر نسبت به کشف این آثار اقدام کند و در صورت پیدا شدن این اشیاء توسط مردم باید شیء کشف شده را از آنها خریداری کند تا این آثار از سوی غارتگران میراث فرهنگی به تاراج نرود. همچنین دولت باید با تشکیل ستاد مبارزه با اشیای عتیقه قدمی مثبت در این امر بردارد در غیر این صورت قوانین هرگز دردی را دوا نخواهند کرد بلکه برای جلوگیری از قاچاق اشیای عتیقه به برنامه‌ریزی درست برای تشویق مردم نیاز است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

بحث آموزش از موضوعاتی است که در تمام موضوعات، قبل از هرگونه اقدامی باید روی آن سرمایه‌گذاری لازم را مبذول داشت. از یک طرف سازمان صدا و سیما موظف است با همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور و سازمان اوقاف و امور خیریه، بخش متناسبی از برنامه‌های خود را به معرفی شایسته میراث فرهنگی اختصاص دهد. از طرف دیگر وزارت آموزش و پرورش نیز با کمک سازمان میراث فرهنگی در مورد آموزش اهمیت میراث فرهنگی و معرفی ارزش‌های آن لازم است تا از طریق کتب درسی و سایر رسانه‌های آموزشی و کمک آموزشی، پیش‌بینی‌های لازم را انجام دهد. ارایه برنامه آموزشی لازم برای آشنایی ارزیابان گمرک و ماموران وزارت اطلاعات برای تشخیص و جلوگیری از قاچاق اموال فرهنگی توسط سازمان میراث فرهنگی و آموزش نگهداری از اموال تاریخی-فرهنگی منقول موجود در بقاع متبرکه و اماکن مذهبی و تاریخی توسط سازمان اوقاف و امور خیریه با کمک سازمان میراث فرهنگی، از دیگر الزامات قانونی در حوزه آموزش و اطلاع‌رسانی است. برای بهتر شدن امر آموزش و محافظت از آثار تاریخی و فرهنگی که هویت انسانی یک کشور تلقی می‌شوند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ایجاد فرهنگی حفاظت از آثار تاریخی و توجه بیشتر به آموزش‌های فرهنگی جهت بالا بردن سطح آگاهی مردم به خصوص نسل جوان در بعدهایی مانند سرقت آثار تاریخی مافیای میراث فرهنگی حفاری‌های غیر مجاز و ساخت و ساز در حریم آثار تاریخی می‌تواند موثر واقع شود.

ایجاد سایت‌های حفاظتی یگان حفاظت در تمام محوطه‌های تاریخی و شهرها و محوطه در کنار ایجاد واحدهای ویژه در نقاط مرزی به همراه نیروی انتظامی می‌تواند در کاهش این جرایم موثر باشد یکی از وظایف نیروی انتظامی رسیدگی به جرایم میراث فرهنگی است. البته ممکن است این وظیفه از اولویت‌های نیروی انتظامی نباشد زیرا آنها وظایف اصلی را به یگان حفاظت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری محول کرده‌اند.

بازنگری قوانین موجود در برخورد با متخلفین و مجرمین.

صدور رأی متناسب با جرایم انجام شده در حوزه میراث فرهنگی.

سرمایه‌گذاری در تشکیل و تقویت نهادهای غیر دولتی دوستدار میراث فرهنگی و حمایت از تشکل‌های مردم نهاد و NGO های مختلف که در این زمینه فعالیت می‌نمایند.

تشکیل انجمن‌های میراث فرهنگی در بخش‌ها و روستاهای استان به عنوان بازوان توانمند سازمان میراث فرهنگی.

حمایت از تشکل‌های غیر دولتی دوستداران میراث فرهنگی (سازمان‌های مردم نهاد یا سمن)

همکاری و افزایش فعالیت‌های نامحسوس دستگاه‌های اطلاعاتی در شناسایی و انهدام باندهای سازمان یافته قاچاق اموال تاریخی.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] ابن ادریس حلی، محمد، ۱۴۱۱ق، السرائر، قم، موسسه نشر اسلامی .
- [۳] ابن رشد قرطبی، ابو ولید محمد ابن احمد، ۱۹۷۵م، بدایه المجتهد و نهايته المقتصد، مصر، مكتبة التجاره الكبرى، الطبعة رابع .
- [۴] بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، ۱۴۱۳ق، المقنعة، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، چاپ اول.
- [۵] بیهقی کیدری، قطب الدین محمد بن حسین، ۱۴۱۶ق، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ اول.
- [۶] جزیری، عبد الرحمن، غروی، ۱۴۱۹ق، محمد، یاسر مازح، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام، دار الثقلمین، بیروت، چاپ اول.
- [۷] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ دوم .
- [۸] حر عاملی، محمد ابن حسن، ۱۴۰۳، وسایل الشیعه، المكتبة اسلامیه تهران، چاپ چهاردهم
- [۹] حر عاملی، محمد ابن حسن، ۱۴۰۳، وسایل الشیعه، المكتبة اسلامیه تهران، چاپ چهاردهم
- [۱۰] حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۳ق، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، دفترانتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم.
- [۱۱] حلی، محقق، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ق، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- [۱۲] دهخدا، علی اکبر، ۱۳۲۵، لغت نامه حرف الف، تهران، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول.
- [۱۳] راغب اصفهانی، ابی القاسم ابن محمد، ۱۳۷۲ق، المفردات فی غریب القرآن، مكتبة بوذرجمهری المصطفوی، تهران.
- [۱۴] طوسی محمد بن حسن، ۱۳۸۷ق، المبسوط فی فقه الإمامیة، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، چاپ سوم.
- [۱۵] عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ه.ق، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، چاپ اول.
- [۱۶] محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن محمد، ۱۳۷۹، شرایع السلام، بیروت دار اضاء.
- [۱۷] موسوی خمینی، روح اله، ۱۳۸۶، ترجمه تحریرالوسیله، مترجم سید محمد باقر همدانی، نشر دار العلم، چاپ ۴ .
- [۱۸] نجفی، محمد حسن، ۱۹۸۱ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
- [۱۹] ابوالقاسم گرجی، آیات الاحکام حقوقی و جزایی، چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۵، نشر میزان
- [۲۰] مزروعی رسول، شرط مبسوط قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، زیر نظر آیت الله هاشمی شاهرودی، جلد اول، چاپ اول، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپخانه صدر، ص ۱۲۹
- [۲۱] قانون مجازات فرانسه
- [۲۲] پرادل ژان، حقوق کیفری تطبیقی، جرایم علیه اشخاص) آسیب های جسمانی (، ترجمه مجید ادیب، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۶، صص ۵۷-۵۸.